

در سالگرد قیام بهمن ماه

بهمن ماه نمیتوانست از این حدود با فرا تر بگذارد و عملاً هم با فرا تر نگذاشت. زیرا مطابق با حکم مارکسیستی انقلاب امر توده‌های ملیونی است که باید به وسیله پیشوایان پرولتری هدایت شود. تا زمانی که جنبش توده‌های مردم با سوسیالیسم علمی-بهم آمیخته نشده باشد و توده‌های مردم از آگاهی طبقاتی (یعنی آگاهی به منافع واقعی خویش) و وجدان بیدار طبقاتی محروم باشند جنبش کمونیستی عملاً جدا از جنبش توده‌های مردم سیر کند. انتظار اینست که جنبش توده‌های مردم هر آنچه که با ولایت و هبیت بوده و هر آنچه هم که فداکارانه و تجسم عالی قهرمانی توده‌ها باشد، بتواند به یک انقلاب اجتماعی منجر گردد، در حکم معجزاتی می باشد.

قیام بهمن ماه ۵۷ نقطه اوج پیش از یکسال مبارزات وسیع مردم در اکثر شهرهای ایران بوده. توده‌های مردم که زندگی در زیر فشار رژیم محمدرضا شاه را دیگر برایشان قابل تحمل نبود، طی پیش از یکسال مبارزه خونین با دادن بیش از هفتاد هزار شهید به این مسئله آگاهی یافته بودند که رژیم سلطنت با یدرسنگون گردد، اما سایر مشخصات و مسائل یک انقلاب واقعی برای ذهن توده‌های مردم هنوز کاملاً شناخته نشده بود. بنابراین ایجاد عملی قیام

همانطور که گفتیم توده‌های مردم در آستانه قیام بهمن ماه در ارتباط با اهداف یک انقلاب اجتماعی واقعی تنها به سرنگونی سلطنت آگاهی داشتند. توده مردم زحمتکش هنوز به این امر که همراه با سرنگونی سلطنت مجموعه مناسبات اجتماعی، سرمایه داری و استبداد برقی در صفحه ۲

در ادامه مبارزات کارگران چیت ممتاز

و همچنین "شورا" یا "مقدم" بوجود نیاید که ظاهراً رئیس شورا هم بنام حاجی احمدی کنار گذاشته شد و شخص دیگری بنام عبدالملی بجای او قرار گرفت. بالاخره شورا مجبور گشت که جلسه عمومی بگذارد. در جلسه عمومی شورا، ۱۰ نفر اسم منویسند که صحبت کنند (این جلسه با حضور ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از کارگران تشکیل شده بود) نفر اولی که صحبت کرد تفنینی نام بقیه در صفحه ۹

خلق زحمتکش در بهمن ۵۷ برای استقلال، کار، آزادی و رفاه اجتماعی قیام کرد.

اما هیأت حاکمه بتمام این خواسته‌ها خیانت کرده است

مختصری درباره افغانستان

جنبش‌های پیش خلق کبیر افغانستان علیه مرتجعین کارگزار سوسیال امپریالیسم روس هر روز ایستادگسترده تری بخود میگرد. تاریخ زندگی خلقهای افغانستان ملو از جانبازی و مبارزه علیه ظلم و ستم اجتماعی و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم است. برای خاموش ساختن آتش مبارزات توده‌های افغانستان، روزینویستهای حزب "دمکراتیک خلق" از هیچ کوششی فروگذار نیستند. زمانیکه هنوز خود به قدرت نرسیده بودند، با تمجید از پادشاه جبار، ظاهر شاه و آرایش چهره ضد خلقی اش سعی بر این داشتند که وی و اربابانش را از تبلیغ حمله توده‌های دلسوز و سپس همین نقش سد کنند. رادرمقابل مبارزه علیه دودخان ایفا کردند. در پی آمدن قوسهای مبارزات خلق افغانستان، سوسیال امپریالیسم روس جهت سرکوب آن و همچنین جهت حفظ قدرت و نفوذ خود در افغانستان، جاسوس مستقیم خود، حزب روزینویستی "دمکراتیک خلق" افغانستان را از طریق کودتای که بکمک مستشاران روسی و جاسوسان ک. ک. ب. به اجرا درآمد، براریکه قدرت نشانید. برای تحکیم مواضع خود در معرض کتراز و سال سه بار وسیله اعمال داخلی خود دست به کودتاز. توده‌های افغانستان از این جابجائی بهره‌مانفعی نداشته و امید یند که بدنیال هرکود تائی رژیم خونخوار و وابسته به سوسیال امپریالیسم روس بر سر کار آید و بکمک ارتش ضد خلقی میکوشد افغانستان را هم چنان در زیر سیطره اربابان کرملین نشین نگهدارد، لذا قاطعانه تر از پیش به پیگیری مبارزات خود بقیه در صفحه ۵

زنجیر روی زمین انحراف

پیکار خلق

نیمه دوم بهمن ۵۸

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

انتخابات مجلس شورای ملی و موضع ما

اینک یکسال از قیام با برهنه‌ها، قیام توده‌های زحمتکشیده و زحمتکش در بهمن ماه ۵۷ میگذرد، توده‌هایی که برای استقلال و آزادی و رها نشی از ستم و استثمار برای بهبود وضع فلاکت‌بار کار و زندگیشان قیام کرده و برای احقاق این خواست‌هایشان دل به دولت جدید بسته بودند. طی این یکسال اما بسیاری از توده‌ها اعتماد خود را اگر نه نسبت به مجموعه هیأت حاکمه، ولسی حد اقل نسبت به رسواترین عناصر آن مثل سران حزب جمهوری اسلامی، قطب زاده‌ها و حبیبی‌ها بازگذاشته، بهشتی‌ها و غیره از دست داده‌اند. جریان انتخابات ریاست جمهوری و پیش از ده میلیون رأیی که بحساب بنی صدر ریخته شد و نتایجه آن با میزان رأیی حبیبی بعنوان کاندیدائی که از طرف حوزه علمی و جامعه مدرسین و حزب جمهوری اسلامی مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفته بود، نشان میدهد که توهم و امیدواری توده‌ها نسبت به دستگاه حاکمه در حال شکستن است اما بدلیل ضعف نسبی جنبش کمونیستی و جدائی آن از توده‌ها، یک توهم و امیدواری در ذهن توده‌ها میثکند و توهم دیگری (مثلاً اعتماد به بنی صدر) جایگزین آن میشود. از سوی دیگر توده‌های زحمتکش در عرصه زندگی خود ستم بقیه در صفحه ۴

تفرقه اندازی حزب توده در کردستان

مسئله ملیتها در ایران زدیبرایز مورد تجزیه و تحلیل کمونیستهای میهن ما قرار گرفته است و آنان بر اساس اصول مارکسیسم - لنینیسم سعی نمودند که بتوانند خلقهای تحت ستم مضاعف کرد، ترک و... را همدوش با خلق فارس در یک صف علیه استعمار و استعمارسیج نماینده کمونیستهای این وظیفه اساسی را در دو وجه تفکیک ناپذیر ملی و طبقاتی همیشه مدنظر داشته و تبلیغات و آگاه نمودن توده‌ها را حول این اصول سازمان میدادند. یکی زگره‌های مسئله ملی امروزه میتوان در کردستان مشاهده نمود. بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر:

- * دست مرتجعین از زندگی ...
- * فریاد بیکاران
- * اسلحه بجای نان
- * رئیس حزب جمهوری ...
- * مسأله شورای دانش آموزی
- * کارگران مبارزه پیش!
- * خبر ویژه «گومه‌له»
- * این رسم توست که ایستاده بمیری
- * پاداش برای سرکوب خلق کرد
- * شکایت پدر یکی از شهدا از ...
- * چه کسانی حق دارند ...
- * حزب "زنجیران" ...
- * رویداد و اخبار کوتاه
- * اخبار کردستان «خبرنامه گومه‌له»

درس‌الگردقیام...

بقایای بهره کشی نیمه فئودالی نیز با یسرنگون گردود اینکه خودتوده مردم زحمتکش میتوانندوبایدحاکمیت خویش را در شکل حکومت دمکراتیک کارگران و دهقانان جانشین سلطنت نمایند آگاهی نداشتند ارگانها، ابزار و شیوه های چنین حکومتی را نمیشناختند. بهمین دلیل برای مردم قابل پذیرش بود که دستگاه حکومتی جدید در دست کسان دیگری قرار گیرد. طبقه کارگران در این دوران از آگاهی طبقاتی (یعنی آگاهی به اینکه تمام کارگران سرتاسر ایران یک طبقه واحد و بهم پیوسته بوده و مبارزه آنها تنها بر علیه کارفرمایان جداگانه بلکه باید متوجه دستگاه حکومتی مدافع کارفرمایان یعنی سیستم اجتماعی موجود بوده و اینکه برای احقاق منافع خویش باید دستگاه حکومتی یعنی قدرت سیاسی خود را مستقر نمایند) محروم بوده و نمیتوانستند دارای چنین آگاهی باشند، زیرا این آگاهی تنها در پیرو آ میرش سوسیالیسم علمی با جنبش خود انکسخته طبقه کارگر و رهبری حزب کمونیست در مبارزات توده های متجلی می کرده تنها در جنب شرایطی است که طبقه کارگر در زیر پرچم پیشروان مستقل سوسیالیستی حزب کمونیست قادر میگردد سایر اقشار و طبقات خلق را متحد نموده و مستتر اساس قدرت سیاسی را در دست گیرد، مناسبات اجتماعی که تمام ضاممو ضوابط آن درهم کوبیده و مناسبات برپایه حراست از منافع واقعی زحمت کشان استوار نماید در همین جا باید متذکر شد که جنبش کمونیستی ایران در مقطع تاریخی قیام بهمن ماه، از نظر کمی و کیفی نهایت ضعیف و پراکنده بود و بهیچوجه نمیتوانست در اس مبارزات زحمتکشان قرار گرفته و این مبارزات را هدایت کننده چنین بود که توده های مردم اگرچه از نظر عمیتی درجهت یک انقلاب اجتماعی حرکت میکردند، اما در بعلت عدم آگاهی طبقاتی، عملیات در مبارزات لیبرال و روحانیت اشراف منش روان گردیده بنا بر این قیام بهمن ماه بعلت رهبری لیبرال-مذهبی آن نتوانست به انقلاب اجتماعی و حل تضاد اساسی جامعه ما منتهی گردد.

قیام بهمن ماه نقطه غلیان و جوش هم جانبیه جنبش میلیونها توده زجر دیده بود که بر نظام پوسیده و استه به امپریالیسم طغیان نموده بودند، توده ای که بر اساس شدت یابی تضاد عینی آنها با طبقات حاکمه و رژیم شهری شاه به مثابه تجلی عریان آن، بر اساس تحمل نابذیر کردن شرایط زندگی کسان مضم به تغیر آن بودند. اما این توده به غلیان آمده فاقد آگاهی طبقاتی به معنی واقعی کلمه بود و آرزویشان در رهبری کننده ای که با هزاران تسمه

مرئی و نا مرئی بطور مستقیم و غیر مستقیم مجموعه توده های مردم متصل باشد، محروم بوده بررسی علل این ضعف احتیاج به مقاله جداگانه ای دارد که بهرحال در اینجا مجال آن نیست. اما هر آنگاه که پرولتاریا نتواند به وسیله حزب کمونیست مستقل خویش در راس مبارزه خود انکسخته توده ها قرار گیرد، الزاماً بورژوازی و با خرده بورژوازی مبارزات توده ها را به زیر رهبری خود خواهد کشید و در نتیجه جهت منافع و مصالح طبقاتی خویش از آن استفاده خواهند نمود. در آستانه قیام بهمن ماه توده های مردم برای کسب استقلال، کار، رفاه اجتماعی و آزادی حماسه های آفریدند اما در مجموع دچار اوهام بودند، زیرا در این مبارزه دژ پر ساز چشم امید به رهبران لیبرال و مذهب دوخته و رهبران لیبرال - مذهبی که بر توهم توده ها سوار بودند این جنبش را به هر سو که میخواستند می کشیدند. جنبش انقلابی و کمونیستی میهن ما به لحاظ ضعف درونی خود و عدم پیوند فشرده با توده زحمتکشان نه تنها نتوانست در حرکت مستقل خویش پرده این توهم را در ذهن توده ها پاره کند، حتی در برخی موارد دفاع غیر مشروط از رهبری لیبرال مذهبی، خود را نیز در تار و پود این اوهام گرفتار نمودند. اما امپریالیسم غرب به سرگردگی آمریکا بدور از هرگونه توهم اوضاع را دقیقاً دنبال میکرد و به درستی تشخیص داد که دیگر باند نظامی - بورژوازی کراتیک شاه قادر به حفظ منافع امپریالیسم آمریکا در مقابل جنبش فزاینده توده وسیع مردم نیست. امپریالیسم از همان زمان مذاکره بین هوپز و فراه باغی با بازگان (آقای بازگان بعنوان نماینده خمینی در این مذاکره شرکت میکند) تشخیص داد که برای حفظ پایه های اصلی سلطه خود در ایران باید بورژوازی لیبرال و اشرافیت مذهبی مصالحه نماید. زیرا که این نیروها هم قادر به مهار کردن و کنترل مبارزات توده ها میباشند و هم اینکه با سلطه امپریالیسم سازگارند. این چنین بود که امپریالیسم با داشتن تضمینات کافی برای حفظ مواضع کلیدی خود در قلمرو اقتصاد دوارش با بروی کار آمدن کابینه بازگان و رهبری روحانیت اشراف منش موافقت نمود و با یک ما نور و حتی با قربانی کردن باند شاه، برقراری شکل حکومتی جمهوری در دست لیبرالها و روحانیت اشراف منش را پذیرفت. بر این اساس بود که حکومت مباحثات بطور ملامت آمیز به کابینه بورژوازی لیبرال بازگان و رهبری خمینی واگذار شده البته این واگذاری قدرت به لحاظ طغیان توده ها و نقش مهمی که نیروهای انقلابی بخصوص از زمان جریکهای فدائی خلق در عصر ۲۱ بهمن ماه ایفا نمودند و همچنین سرپیچی سران سرخسارت از

ما تورا امپریالیسم، نتوانست به طور ملامت آمیز انجام شود و قیام مسلحانه توده ها و نیروهای انقلابی و کمونیستی در تهران و برخی از شهرهای بزرگ جریان بر نامه ریزی شده انتقال قدرت را بر هم زد و ظرفیت آن بمراتب کاست و در مقابل موجب شکافته شدن ابتکارات انقلابی توده ها در بسیاری از زمینه ها گردید، اما اینها همه تغیراتی در شکل انتقال قدرت بود نه در خود انتقال قدرت. بطور خلاصه بگوئیم در قیام بهمن ماه توده های مردم با انتظارات و خواسته های معین طبقاتی خود شرکت نمودند، در این راه از هستی خود گذشتند و با قهرمانیهای خویش به عرش علایورش بردند و رهبران لیبرال - مذهبی هدف خیانت آمیز در دست گرفتن قدرت سیاسی نظام و وابسته به امپریالیسم برجانش این توده ها سوار شده و بقدرت رسیدند.

مادامک این دو مسئله را مورد بررسی قرار میدهیم و در پرتو آن به مسائل مورد اختلاف در جنبش کمونیستی و انقلابی - بورژوازی میپردازیم. اما در همینجا بیفزائیم ریشه اختلاف نظرات در تحلیل از موقعیت طبقاتی - سیاسی هیئت حاکمه کنونی در چگونگی ارزیابی از قیام بهمن ماه نهفته است.

* * * * *

توده های مردم بیش از یک سال قهرمانانه مبارزه کرده و سرانجام در بهمن ماه قیام نمودند. زیرا که دیگر نمیتوانستند در سرتخ آنها به غارت برده شود، زیرا که نان میخواستند، آموزش کار، بهداشت، مسکن برای همه، زمین آب، کمکهای فنی و مالی کشاورزی برآوردند. دهقانان و دهکده ها میخواستند از مردم تامین زندگی برای فرامیخواهند کارگران خواهان ۴۰ ساعت کار در هفته، لغو جرمه کارخانه، کنترل کار زورگویی دزدان کارخانه، کنترل کارگری بر سیستم تولید و برقراری تناسب عادلانه ترین دستمزد بودند. زیرا که پیشه وران، کسبه و تولید کنندگان کوچک خواهان از زمین بردن فشار سرما به داران کردن کلفت و وابسته به امپریالیسم و تشویق و حمایت از تولید کنندگان کوچک داخلی و برقراری اقتصاد ملی بودند. در یک کلام توده مردم ام از کارگران، دهقانان، کسبه و تولید کنندگان کوچک، کارمندان، روشنفکران و غیره دیگر حاضر نبودند که شرایط فلاکتناز زندگی را تحمل کنند و خواهان رفاه اجتماعی عمومی و کار مفید بودند. میلیونها توده ستمکش به مبارزه مرگ و زندگی برخاستند زیرا که خواهان قطع هرگونه وابستگی اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی از امپریالیسم بودند. زیرا که خواهان لغو کلیه قراردادهای اسارت با امپریالیسم غرب و بلوک سوسیال امپریالیسم روس، ملی کردن

تمام منابع و معادن کشور و ضبط و صادره کلیه سرمایه های امپریالیستی و سرمایه های وابسته به امپریالیسم و از بین بردن کلیه پایگاههای استیلا و اجتماعی امپریالیسم بویژه ارتش ضد خلقی و لغو بلا شرط کلیه قرارداد های نظامی - سیاسی دوجانبه و چند جانبه با امپریالیسم و دول ارتجاعی منطقه بودند. زیرا که خواهان محو تولیدات مونتاژ و اقتصاد تک محصولی که اساس وابستگی اقتصادی را تشکیل میدهد و برنامه ریزی دقیق برای برپا داشتن یک اقتصاد مستقل و ملی هم در زمینه کشاورزی و هم در زمینه تولید صنعتی در جهت آبادانی کشور و ردهم - جانبه نیروهای تولیدی بودند، تا اینکه مین عزیز ما ایران از غیب ماندگی بدر آمده و در راه رشد و تعالی قرار گیرد. در یک کلام مردم برای کسب استقلال و حاکمیت بر سر نوشت خویش مبارزه کردند. توده مردم در مبارزات ذات خود بیش از هفتاد هزار شهید قهرمان فدا کردند برای اینکه آزادی میخواستند. مردم خواهان آزادی احزاب، اجتماعات و مطبوعات خلقی بودند. مردم خواهان شرکت در سیاست مملکت بودند. کارگران خواهان حق اعتصاب، تشکیل اجتماعات سیاسی، کارگری بودند. دهقانان خواهان تشکیل اتحادیه های دهقانی به مثابه قدرت سیاسی در روستا بودند. مردم خواهان آزادی تظاهرات و جلسات بحث سیاسی برای اقشار خلقی، خواهان انحلال و محو هرگونه سیستم پلیسی و اختناق آورد در کارخانه ها، ادارات و غیره بودند. مردم خواهان احترام به حقوق کلیه ملیت های ایران و برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای آنها در چهارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و برقراری نظام شورائی در ایران بودند. زیرا که تنها و تنها نظام شورائی حاکمیت توده ها بر سر نوشت خویش را تضمین میکند. در یک کلام مردم قیام کردند زیرا که خواهان دمکراسی و آزادی بودند. اگر نخواهیم تمام این خواسته های بحق توده مردم را فرمول بندی کنیم باید بگوئیم که مردم قیام کردند زیرا که استقلال، کار، آزادی و رفاه اجتماعی میخواستند.

اما هیئت حاکمه جدید به تمام این خواسته های مردم خیانت ورزیده بوده دستگاه حکومتی بنا بود که بطور ملامت آمیز و دست نخورده به هیئت حاکمه جدید انتقال یابد. اما در نتیجه قیام مسلحانه توده مردم در تهران و برخی دیگر از شهرها دستگاه حکومتی تا اندازه ای درهم شکست. هیئت حاکمه جدید از همان فردای به قدرت رسیدن تمام نیروی خود را در بازسازی و مرمت دستگاه حکومتی و نظام

بقیه در صفحه ۱۰

هفتاد هزار گذشته، صد هزار زخمی، نه سازش نه تسلیم، نبرد با آمریکا

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تفرقه اندازی حزب...

کمونیستهای ایران در کردستان فقط مسئله حقوق ملی که در آن هم بورژوازی کردوهم زحمتکشان کرد سهیم هستند را مدنظر نداشته، بلکه به مسئله طبقات هم توجه مینمایند آنها به درستی مسئله خودمختاری یا حق تعیین سرنوشت خلق کرد، از دیدگاه بورژوازی کردواز دیدگاه زحمتکشان کرد در آرزو هم متمایز میسازند. بورژوازی کرد تا آنجا از حق تعیین سرنوشت دفاع مینماید که در پناه آن بتواند بر منافع خویش در مقابل بورژوازی حاکم فارس بیفزاید و سهم بیشتری از استعمار خلقهای ایران از جمله کردستان ببرد، با آنکه بر او غلبه کرده و خود را بورژوازی حاکم را ایفا نماید از این جهت است که دفاع بورژوازی کرد از مسئله خودمختاری نا پایدار است. زحمتکشان کرد برعکس به دلیل آنکه بر علیه استعمار میجنگند و همچنین بورژوازی خودی "رادرا" تنش خشم خود میسوزانند، بنا بر این بیکر ترین مدافعان خودمختاری و حق تعیین سرنوشت خلقها و از آن جمله خلق کرد میباشد.

نطفه بندیهایی تمام مسایستها و تانکتیکها از این دوبرخورد ما هیئت متفاد و بمسئله ملی شکل میگرفته اکنون در کردستان سازمانهای سیاسی مختلفی وجود دارند که از آن جمله دوسازمان سیاسی متمایز از هم که یکی تبلور نقطه نظریات و خواسته های بورژوازی کردستان میباشد که بنام حزب دمکرات کردستان معروف است و دیگری تبلور خواسته های زحمتکشان شهروستان است که بنام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) مشهور میباشد. ناگفته نماند که حزب دمکرات کردستان بدلائل خاص طبقاتی و ناپایداریش در حل مسئله ملی، آنچنان که تا بحال گوشه ای از آن بر ملا شده است، میتواند مورد سوء استفاده های از طرف جناحهای بورژوازی حاکم فارس قرار گیرد و با آنکه جایگاهی برای نفوذ عوام مل ایر قدرت روس یعنی حزب توده باشد مضافاً با بدگفت که زحمتکشان مشکل در حزب دمکرات با خواست عمیقاً ضد امپریالیستی و آزادی برای خلقهای سراسر ایران و به دست آوردن حق تعیین سرنوشت در آن حزب مجتمع شده اند ولیکن رهبری حزب دمکرات بدلائل خاص طبقاتی از این خواست بحق توده های متشکله سوء استفا میکند و مقصود ما در اینجا بر خورد دقیق به سازمانهای سیاسی کردستان نیست بلکه مقصود از این مقدمه آن است که با توجه به مسائل فوق الذکر بتوانیم نقش خائسانه و نفاق انگیز حزب "توده" را که میخواهد منافذی برای منافع سر ما بدهد از آن روسی تعبیه کند، روشن سازد همه میدانیم که رژیم در دوره های مختلفی با حملات بخلق کرد (اسفند ماه ۵۷ - از مر

۵۸ تا به امروز) تمام سعی و کوشش خود را بر آن نهاد که از مبارزات بیکار چه خلق کرد برای بدست آوردن حق خودمختار جلوگیری کند. در این میان با انواع حیلها دست یازیده بیکار مبارزات خلق کرد را منتسب به پالیزبانها، صیہونیستها نمود و با ردیکر آنرا با زیچه دست بعثی های فاشیست عراق و نمود کرد و سرانجام قدرتمندان حاکم با فتوای خمینی لشکرکشی خود را با شدت هر چه تمامتر آغاز دادند. فتوای الهی مرتجع را به انواع اسلحه ها مجهز نمودند، کانونهای جاسوسی در پوشش مکتب قرآن و غیره بنا نهادند و اخیراً هم عده ای اوباش را بنام "پیش-مرکان مسلمان خلق کرد" سازمان داده اند و بهر طریقی در همه زمینه ها بنا بودی این خلق بیباخته را تدارک می بینند از آنجا تکیه خلق کردها دامه مبارزه ضد امپریالیستی که پس از قیام بهمن ماه ۵۷ قیام مانده بود، اعتقاد داشت، سعی نمود که نیروهای پراکنده خویش را جمع آوری کرده و در مقابل تشکلات ضد انقلاب، سازمانهای انقلابی خود را به وجود آورده خلق کرد را تشکیل هیئت نمایندگی خویش بیکار چکی خود را در مقابل ارتجاع به ظهور رسانیده رژیم ضد خلقی کنونی را آنجا که نتوانست در میدان جنگ پیروزی بدست آورد، سعی فراوان به عمل می آورد که این هیئت نمایندگی را از هم بیجا تا ندو با نفاق اندازد در بین آنها بیکان حمله اش را متوجه یک قسمت از نیروهای پاشیده شده از هم بنماید و پیروزی نهائی را از آن خود سازد.

حزب "توده" خائن به منافع طبقه کارگر ایران با الهام از این تاکتیک رژیم تمام کوششهای خود را در تحقق این مقصود پلیدیکاری می اندازد. حزب "توده" بیکار تفرقه اندازی در جنبش کردستان قصد دارد از منفذ حزب دمکرات کردستان استفا کند. حزب "توده" که ظاهراً به زیر پرچم سیز محمدی خزیده است و با طناً جاؤ را برای نفوذ را بایش سوسیال امپریا-لیسم روس فراهم می آورد، از هراختلافی بوسیله عناصر جاسوس در حزب دمکرات با خبرگشته و آن را از نظر تبلیغاتی چندبرابر نموده و زمینه های مسا عدسرای بوجود آوردن سوء ظن در میان خلق کرد نسبت به هیئت نمایندگی را فراهم می آورد تا نهایتاً جاد را برای حملات بعدی رژیم صاف سازد.

حزب "توده" که توانسته بر جناحی از حزب دمکرات نفوذ کند و بوسیله این جناح ضرباتی بر بیکار هیئت نمایندگی خلق کرد وارد سازد، اندر زهای رادرا با باب به این حزب میدهد "بگذریم از خطاها و اشتباهات حزب دمکرات کردستان ایران، بویژه در یکسال گذشته. حزب توده ایران نسبت به مشی و سیاست حزب دمکرات کردستان بویژه در یکساله گذشته، انتقادات جدی دارد، زیرا علیرغم برخی کامهای مشی که این حزب در چند ماهه اخیر در راه دستیابی به حقوق خلق کرد برداشته (بهتر است بگوید که کامهای "مشی" در راه دستیابی به "حقوق حقه" حزب "توده" و

ارباش روسیه امپریالیستی) خط کلی این حزب "مشون از ابهام" بویژه به انتخاب "محدسین" خود بوده است. حزب دمکرات کردستان ایران سازمانهایی را عملاً به مثابه متحد خود پذیرفته که بارها علناً و کتاباً اعلام داشته اند که قصد آنها از شرکت در مذاکرات نه دستیابی به حل مسئله، نه حصول توافق، بلکه "افشاگری" است! اتحاد با چنین سازمانهایی، که هدف آنها کارشکنی در واقع حیرت انگیز است (مردم ۱۰ دی ماه ۵۸) حزب "توده" از طریق جاسوسانش در حزب دمکرات در حقیقت هیئت نمایندگی خلق کرد را نشانه میگیرد بطور واضح در اندر زهای فوق مقصودش را که همانا از هم پاشاندن این هیئت است، ابراز میدارد. در روگویی و سفسطه بازی حزب "توده" در حملات فوق بخوبی میتوان مشاهده نمود. حزب "توده" به گزب دمکرات اندر زمیده که هیئت نمایندگی نمیخواهد مذاکره کند، بلکه فقط قصدش کارشکنی است!

تا آنجا تکیه اسناد و مدارک نشان میدهد، چه در زمانیکه هیئت نمایندگی خلق کرد هنوز موجود نبود (اسفند ۵۸ حوادث سنج) و چه زمانیکه این هیئت شکل گرفت، خلق کرد همراه بانیره های سیاسی همواره آماده مذاکره و رسیدن به توافق از آن راه بوده است.

این قدرتمندان حاکم بوده و هستند که به هیچ عنوان قصد ندارند خود مختاری به خلق کرد را داشته و ندارند، زیرا اگر چنین کنند منافع سرمایه داران که خود از آنند، لطمه وارد آورد و اند و بد لخواص خود به هیچگونه مذاکره بنفع خلق کرد نبوده و نخواهند بود. خلق کرد در پیروزیهایی که در میدان نبرد بدست آورد، دولت مرکزی را مجبور به مذاکره ساخت. و در این راه نیروهای سیاسی متشکله در هیئت نمایندگی، با تمام تکریمها و استیغابند در این که حزب دمکرات میکرد، از هیچ کوششی در این راه فروگذار ننمود. اگر حزب "توده" حقایق را در کرونه جلوه میدهد، خصلت اینگونه احزاب ریزیونیستی است. حزب "توده" در ادامه مقاله به حزب دمکرات پند میدهد که "قطع نظرات اشتباهات گذشته، بنظر ما حزب دمکرات کردستان ایران قادر است راه درست را بیابد و در آن گام گذارد" (همانجا).

خواننده حتماً متوجه خواهد شد که منظور حزب "توده" خائن به منافع طبقه کارگراز اشتباهات گذشته حزب دمکرات وارد نکند او به جمع هیئت نمایندگی خلق کرد است که تمام زحمتکشان و بیکار خلق کرد آنرا بر سمیت می شناسند. حزب "توده" بوسیله جناحی که در حزب دمکرات کردستان دارد، آتش نفاق را در مقابل دیگر نیروهای سیاسی و شخصیتهای مذهبی روشن میکند و هنگامیکه در حصول به این مقصود کثیف تاحدودی دست می یابد، مینویسد "پیش از هر چیز به اطلاعاتان میرسانیم که کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلامیه ۱۸ دی ماه شما را باخشنودی استقبال کرد. این خشنودی از این جهت است که کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، طی این اعلامیه، برای اولین بار بطور علنی، نخستین گام را برای جدا کردن جنبه نیروهای انقلاب راستین خلق کرد از شخصیتها و گروههای آشوبگر ضد ملی برداشته است، همان گروههایی که به تحریک و گرداندن دشمنان خارجی و داخلی ایران، میکشند حل مسالمت آمیز مسئله ملی را غیر ممکن سازند....." (مردم

۲۶ دی ماه ۵۸). با دقت در جملات فوق از نظر حزب "توده" خائن، شخصیتها و گروههای آشوبگر ضد ملی و..... کسانی جز زالدین حسینی کومله و سازمان چریکهای فدائی شاخه کردستان نیستند که حزب دمکرات میبایستی اشتباهات قبلی خود را (یعنی در اتحاد قرار داشتن با آنها) جبران نماید (یعنی این اتحاد را بر هم زند) و در این صورت است که مدال انقلابیون بزرگ را، که از طریق حزب "توده" به سرمایه داران روسی سفارش داده شده است دریافت خواهد نمود. نفاق افکنی و سیسه بازیهای حزب "توده" در ارتباط با هیئت نمایندگی خلق کرد که وجودش چون خاری به چشمان حزب "توده" و دیگر دشمنان ننشسته است، به آنجا میرسد که به حزب دمکرات دستور میدهد "دستان خلق کرد و انقلاب ایران از رهبری حزب دمکرات کردستان ایران انتظار دارند که هر چه سریعتر خود را از چشم همکاری با کومله و شخصیتها و گروههای دیگر وابسته به آن و همچنین گروههای حادثه جو و آناشیست که با جنگ و آشوب بازی میکنند جدا کند و توطئه های ضد ملی و ضد انقلابی آنان را افشا نماید و از این راه امکان توفیق مذاکرات صلح را برپایه پیام تاریخی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، و پیشنهاد های هیئت نمایندگی دولت و پیشنهاد های تکمیلی کمیته مرکزی حزب "توده" ایران بوجود آورد....." (همانجا).

با گذر از نفاق اندازیها و لجن پراکی های بیشتر مشخص میشود. حزب "توده" میخواهد با کمک هیئت حسن نیت دولت، که بدستی از طرف خلق کرد هیئت سو نیت نام گرفته است، بجای حق خود مختاری، لطمه ای را بنام طرح خود گردانی (بخوان سرگردانی) بخلق خلق کرد فروکند و در این راه هم دستور صادر میکند که حزب دمکرات میبایستی در این خیانت یاریا و برشان باشد.

خواننده عزیز! حزب ریزیونیستی "توده" چون دیگر خائنین به منافع زحمتکشان، مجبور است که چماق دست این رژیم ضد خلقی باشد. چرا که او میبایستی به طریقی منافذی را برای تحکیم منافع غارتگرانه ابرقدرت روس فراهم سازد و در تحقق این اهداف نیز بهر جنایتی دست میزند. حاضر است که خلق کرد را قربانی کند، در میانش نفاق بیاندازد، نیروهای متحد را، که تا کنون با یکبار چکیشان توانسته اند ارتش رژیم را به شکست بکشند و در روی هم قرار دهد، تا شاید پس از آن بتواند شدن خواستهای رژیم در این منطقه، تکه استخوانی را هم به جلوی این حزب با صلا ح طبقه کارگرا ایران پرتاب کند. چرا که او بدنبال این هدف است که خلقهای مارا به زیر نفوذ و سیطره ابرقدرت سوسیال امپریالیستی روس بکشد و برای این هدف نیز برنامه های دراز مدت دارد.

درپخش
پیکار خلق
ما را یاری رسانید

برای مقاومت در مقابل تجاوز امپریالیسم مسلح شویم!

انتخابات مجلس...

اقتصادی - اجتماعی که هر روز در حال افزایش است را، بطور زنده و ملموس حس میکنند و نتایج آن در ذهن آنها بصورت عدم اعتماد نسبت به هیأت

حاکمه و یا حداقل سران حکومتی که بیش از همه نمایان و در روی پرده بودند، منعکس میگردد. روشن است که اپوزیسیون مترقی بویژه کمیونستها

موظفند با کار افشاء گرانه وسیع و با اتخاذ تاکتیک های متنوع و وسع در هر چه بیشتر به این پروسه

شکسته شدن توهم توده ها دامن زده و با کار سیاسی ذهن آنها را متوجه واقعیتها نموده و از گرفتار آمدن آنها به توهمات دیگری جلوگیری

کنند. در چنین اوضاعی است که مسئله انتخابات مجلس شورای ملی مطرح میشود. هیأت حاکمه که از یک سوتضاد های درونی آن بصورت

کلاف سردرگم در آمده و از سوی دیگر تضادش با خلق زحمتکش در حال شدت گیری است، تمام تشبثات خود را برای قبضه کردن نمایندگان مجلس

شورای ملی بکار میبرد. هیأت حاکمه تلاش دارد هرگونه امکانی که نیروهای انقلابی و بویژه کمیونستها بتوانند از طریق آن چشم توده ها را نسبت به ماهیت ضد خلقی هیأت حاکمه باز نموده

و مواضع و نظرات خود را بعنوان آلترناتیو انقلابی در مقابل آنها عرضه کنند، از بین ببرد. هیأت حاکمه از هم اکنون تمام تشبثات مرجعانه خود را بکار میبرد تا اینکه توده ها را در انتخابات

در مقابل یک بلوک ارتجاعی از نامزد های انتخاباتی قرار داده و توده ها که هنوز آگاهی طبقاتی ندارند از بین چند لیست نامزد های ارتجاعی

و غیر مترقی یکی را انتخاب کنند و بعد هم اسم آن را انتخابات آزاد بگذارند. بدین منظور هیأت حاکمه از هم اکنون کوشش دارد که با وضع

قوانین و آئین نامه های ضد دمکراتیک از کاندید اتوری نامزد های مترقی جلوگیری کند. اولین تشبثت ضد دمکراتیک هیأت حاکمه آئین

نامه انتخاباتی میباشد، که از طرف وزارت کشور تدوین و اعلام گردیده است. طبق این آئین

نامه برای انتخاب شدن نامزد ها اکثریت مطلق آراء اخذ شده لازم است و انتخابات دومرحله

طبق این قانون ضد دمکراتیک که تا حال در هیچ جای دنیا سابقه نداشته است، کسی که حتی

۴۹ درصد آراء را هم داشته باشد نمیتواند بعنوان نماینده مجلس انتخاب گردد. هیأت حاکمه خوب میداند که دیگر اعتبار چندانی بین مردم ندارد و با شارلاتان بازی و سوء استفاده

از اعتقادات پاک مذهبی مردم هم بسادگی نمیتواند تمام نمایندگان مجلس را بخود تخصیص

دهد، به حربه ضد دمکراتیک دومرحله ای کردن انتخابات پناه برده است. هیأت حاکمه

میخواهد با دومرحله ای کردن انتخابات از هر نفر دو بار بنفع خود رأی بگیرد. دومرحله ای کردن انتخابات مجلس شورا حتی مطابق با همان قانون اساسی ارتجاعی هم نیست. همچنین طبق این آئین نامه کاندیدها زمانی بعنوان نامزد نمایندگی میتوانند در انتخابات شرکت کنند که معرفی نامه آنها بوسیله اعضاء ۲۰ معتمد حوزه انتخابیه تأیید گردد. اما معتمد کیست و چه کسی او را به معتمد بودن منتصب

میکند؟ بنظر ما توده زحمتکش که بار تمام جامعه را بردوش داشته و در دستگاه حکومت

کوفتی هیچ منافعی ندارند، از همه بیشتر قابل اعتماد میباشند. و احتیاج هم به وکیل و وصی ندارند. اما از نظر هیأت حاکمه کسی

معتمد است که برای هیأت حاکمه چاپلوسی کند و مدافع آن باشد. ما در بسیاری از موارد در انتخابات قبلی دیدیم که همان کسانی که در

زمان رژیم شاه بعنوان معتمد محل پای صندوق رأی می ایستادند، باز هم در پای صندوق رأی هستند.

هیأت حاکمه تحت عنوان ۲۰ نفر معتمد حوزه انتخابیه در واقع میخواهد از کاندید اتوری افراطی مترقی و انقلابی جلوگیری نماید. باید با استفاده از کلیه امکانات این دستگاه و ریاکاری

بیهیای هیأت حاکمه را افشاء کرده و در نهایت وی را وادار به عقب نشینی نمود. تاکتیک کمیونستها در چنین اوضاعی بخصوص با توجه به

سرخوردن توده ها از هیأت حاکمه بهیچوجه نباید عقب نشینی در مقابل این تشبثات باشد. کمیونستها و تمام نیروهای واقعاً ملی و دمکرات میبایست متحداً بر علیه این تشبثات مبارزه کرده

و در عمل ماهیت ضد دمکراتیک آن را به توده ها نشان دهند که این امر بنوعی خود موجب تسریع اضمحلال توهمات موجود در ذهن توده ها می

گردد. ما همچون اکثر نیروهای کمیونستی دیگر معتقدیم که میبایست در جهت بوجود آوردن یک بلوک انتخاباتی از کلیه نیروهای مترقی، واقعاً ملی و دمکرات و کمیونستها تلاش نمود. البته برای

بوجود آوردن یک چنین بلوک وسیع انتخاباتی نخست سازمانها و گروههای کمیونستی میبایست در بین خود به توافقات لازم رسیده و بعنوان

یک نیروی واحد با سایرین وارد بلوک شوند. روشن است که هیچ نیروی نباید کلیه اعتقادات

ارزیابیها، مواضع و استنتاجات خود در رابطه با مبارزه طبقاتی و اوضاع موجود را بعنوان معیار شرکت در بلوک قرار دهد. بلکه بایست

اقتلاقی نمود و کوشید که پلاتفرم و برنامه تبلیغاتی حد اقل که فصل مشترک کلیه نیروهای مترقی و کمیونستی باشد تدوین نمود. برای دست یافتن

به یک چنین برنامه حد اقلی میبایست در برخی مواضع و حتی مواضع مهم هم گذشت کرد، بشرط آنکه این برنامه حد اقل با مواضع اصولی

نیروهای مختلف در تضاد نباشد. بدیهی است که در صورت بوجود آمدن یک چنین بلوک انتخاباتی حق تبلیغ مستقل برای هر نیروی محفوظ است. یعنی هر نیروی میتواند در عین پشتیبانی

از بلوک و برنامه های آن مواضع و دیدگاههای خود را مستقل تبلیغ نماید. در صورتیکه علیرغم کوشش کمیونستها نتوانستیم یک چنین بلوک ائتلافی

وسیع بوجود آوریم نیروهای جنبش کمیونستی میبایست حد اقل در بین خود شان یک بلوک انتخاباتی بنوعی بوجود آورند و با تمام نیرو وارد کارزار و

مبارزه انتخاباتی بشوند. در هر حال بایست بکوشیم در هر چند حوزه انتخاباتی که بر ایمان

مقدور است لیست کاندید اتوری بدیم. بدیهی است که در این کارزار انتخاباتی باید تبلیغات خود را بدور مبارزه علیه امپریالیسم و عوامل و متحدین داخلی آن، افشاء تمام تشبثات ضد دمکراتیک و ارتجاعی هیأت حاکمه و خواستههای واقعی

(خبر ویژه)

املاان امپریالیسم آمریکا و بعثی های فاشیست در کردستان

خلع سلاح و دستگیر شدند

هم میهنان مبارز!

سپاه رستگاری (سپای زرگاری) از چند ماه قبل در کردستان بوسیله مداخله نقشبندی پسر شیخ عثمان نقشبندی که یکی از فعالین سیا و ساواک در منطقه کردستان بود دست شد و بوسیله بعثی ها از نظر تجهیزات نظامی تقویت و مستقیماً از ارد شیرزادی و پالیزان و جاسوسان سیا بوسیله عراق پول میگرفتند. و این مزدوران برای سرکوب نیروهای انقلابی و لطمه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد در کردستان دست شده بود. ما سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران (کومه له) بنسبانه وظیفه انقلابی خود نتوانستیم در مقابل این جریان ضد خلقی بی تفاوت باشیم. تصمیم گرفتیم که آنها را خلع سلاح و رهبران آنها را دستگیر نمائیم. در روز ۹/۱۱/۵۸ در مدت ۲۴ ساعت تمام پایگاه هایشان را خلع سلاح و تمام رهبران آنها را دستگیر کردیم.

ما معتقدیم که امپریالیسم آمریکا عوامل داخلش باید از ایران ریشه کن شوند و برای مبارزه با امپریالیسم بایسته اول عوامل داخلش را نابود کرد. و بنسبانه همین اعتقاد با هر حرکت ضد خلقی هرچند ضعیف با تمام نیرو مبارزه خواهیم کرد.

حال از رهبران خائن حزب توده می پرسیم عامل امپریالیسم کیست؟ در این مدت برخورد حساس گرانه هیئت حاکمه با سپاه رستگاری، و جنگ تحمیلی که بعد از خلع سلاح این مزدوران امپریالیسم آمریکا، بوسیله جانشینان مفتی زاده خائن و سپاه پاسداران تجاوزگر، بر مردم مبارز گامیاران وارد شده، بی مناسبت نیست.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلش پیروز باد مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای سراسر ایران خلق کرد پیروز است ارتجاع ناپسود است ۵۸/۱۱/۱۱

سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران

(کومه له)

توده ها در زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سازمان دهیم. میبایست با تنظیم مرمرترین خواد ستهای مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک هم در زمینه های اقتصادی و هم سیاسی و نزدیکی خواستههای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی خلق زحمتکش، جنبش کمیونستی و انقلابی را به توده ها شناسیم. ارائه یک چنین برنامه ای و تبلیغ همه جانبه آن، برای زحمتکش این امکان را بوجود میآورد که بتوانند برنامه حد اقل انقلابی و کمیونستها را با ریاکاریها و سفیسطه بازیهای هیأت حاکمه مقایسه کرده و به قضاوت بنشینند. شاید در موارد عادی ارائه برنامه از طرف نیروهای انقلابی و کمیونستی آنقدر نظر توده های مردم را بخود جلب ننماید، اما در زمان انتخابات توده ها کجکاوتر میباشند و کمیونستها بهتر میتوانند مقاصد و برنامه های خود را بمیان آنها ببرند.

کمیونستها در مبارزه انتخاباتی

چه میگویند؟

وقتی کمیونستها در مبارزه انتخاباتی شرکت میکنند میبایست از همان اول بطور روشن و آشکار به توده خلق بگویند که از پارلمان هیچ انتظاری نداشته باشید. پارلمان بورژوازی چیزی بجز یک مرکز بخرافی و وراجی نیست. تصمیمهای اصلی همه در پشت پرده بوسیله سیاستمداران بورژوازی رتق و فتق میشود. کمیونستها بایسته

سازش بر سر استرداد شاه، خیانت بخلق است

ارشیو بنیاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

رویدادها و ...

تحقق خواسته های خود در فرمانداری محصل شدند. این تحصن نیز مانند بسیاری از تحصن های دیگر مورد هجوم عوامل فشار و سرکوب قرار گرفت این عوامل با اتومبیل در خیابانها بر اه افتاد و با تبلیغات زهر آگین خود توانستند افرادی را باحمله به تحصن تحریک نمایند. حمله کنندگان با پنجه بوکس و جاقو در پیله های بیکار را مورد ضرب و جرح قرار دادند تا جاییکه یکی از افراد شدت زخمی شده و روانه بیمارستان گردید.

تهران - مشکل بیکاری مشابه عارضه درمان ناپذیر سیستم سرمایه داری امروز در همه جا بیشتر از پیش به عنوان واقعی ملموس به چشم می خورد. برای حل این مشکل نه تنها از سوی قدر مندان حاکم هیچگونه گامی برداشته نمی شود (البته خصلت آنها نمی تواند بردارد) بلکه با سوء استفاد از وجود این مشکل راه را برای کلاشان و در زمان سرمایه دار باز میگردد. یکی از این نمونه ها اقدام اخیر آموزش و پرورش است که طی آن بیکاری های بلند بالای ظاهر آما نیل به استخدام در پیله ها و

لیسانسیه های بیکار نشان داد. بدنبال این آگهی هایش از ۵ هزار بیکار در اطلب شرکت در آزمایشتی شد که میبایست فقط ۲۳ نفر از آنها به استخدام آموزش و پرورش درآیند. اضافه کنیم که بابت اسم نویسی هم از هر نفر مبلغ ۳۰ تا ۴۰ تومان دریافت داشتند یعنی حدود ۲ میلیون تومان از این طریق به حیط آموزش و پرورش رفت. در پیله های بیکار که از بیکاری ستوه آمده و شاهد کلاشی های مسئولان بودند، از روز ۸ بهمن در آموزش و پرورش متحصن شدند و اعلام کردند که تا رسیدگی به خواسته هایشان مبنی بر ایجاد کار و اشتغال به آن به تحصن خود ادامه خواهند داد با اضافه اینکه بارها و جوی بابت ثبت نام پرداخته و حاصل هم بیکاری بود و پس دست اندرکاران حکومتی داد و قال فراوانی در مورد کمبود معلم و توسعه نهضت سواد آموزی "براه می اندازند اما آنجا که پای عمل در میان می آید ضوابط و شرایطی را فراهم میکنند که فقط احتمال استخدام تعدادی انگشت شمار میشود و از این طریق هم نتیجتاً پولهای کلان برای ثبت نام دریافت کرده و به حیط میزنند. ظاهراً آقای رجائی در پیله های بیکار راه استانداری

حواله کرده است و اینکه آنها میتوانند در کارهای تولیدی سرمایه گذاری مشترک ثبت نام کنند. اما در واقع هدف این است که از این راه سود بسیاری بیشتر سرمایه داران را فراهم سازند چه شاهد بودیم که چندی پیش هم شرکت پارسیزان بسیاری استخدام بیکاران از طریق کیهان به درج آگهی اقدام نمود که بدنبال آن هزاران نفر از بیکاران با دادن مبلغ درخواستی ۳۰ الی ۸۰ تومان به شرکت کشاورزی و صنعتی پارسیزان برآاستخدام آمادگی خود را اعلام داشتند و باز هم دیدیم که صاحبان شرکت پس از جمع آوری این پولها افسار کرده و با آنکه روزها از تحصن بیکاران در شرکت پارسیزان میگردد هیچ قدم مثبتی از طرف هیئت حاکمه برداشته نشده است. حرکت بیکاران در آموزش و پرورش و شرکت پارسیزان نمونه ای از حرکت حق طلبانه بیکاران وطن ما است که بسا حمله پاسداریان روبرو شد. این مبارزات امروزه میروند تا بعد گسترده تری بگیرد. اخیراً از طرف شورای هماهنگی بیکاران نیز اعلام راه پیمانی شد که در تاریخ یکشنبه ۱۴/۱۱ صورت گرفت. این راه پیمانی اگرچه با ظهور ناگهانی زهرآخانس و

فحاشیه های وی روبرو شد اما بیکاران مصمانه مسیر میدان انقلاب تا وزارت کشور را طی کرده و با شعار "در داد و ستد شمامت مردم به مالخق شوید" مردم را به پشتیبانی از خود دعوت میکردند و هنگام عبور از جلوی مدارس، دانش آموزان مدارس با شنیدن شعار "محصل دانشجو فردای تو همین است" سرها را از پنجره ها در آورده و با مشت های گره کرده حمایت خود را از مبارزات بحق بیکاران ابراز می داشتند. بیکاران در مقابل وزارت کشور خواندن قطع نامه برداختند که در همین زمان چند یمن پاسدار ژ ۳ بدست ظاهر برای حفاظت از وزارت کشور ظاهر شدند. با آنکه تعدادی از افرادی که کوشیدند با بحثهای انحرافی درگیری بوجود بیارند اما هوشتیاری انقلابی بیکاران مانع از درگیری شد. تشکیل شورای سرتاسری بیکاران از مواردی است که وجود بیکاران را بعنوان نیروی آگاه و مستقل در مقابل سرمایه داران و حامیانشان به ظهوری رساند. باید بیداری از این خواست بحق پشتیبانی نمود.



مختصری درباره ...

پرداخته و دل به وعده های رویزونیست ها خوش نکردند. در این میان امپریالیسم غرب بکلی عوامل داخلی خود میبکند تا این مبارزات را از مسیر درست خود منحرف کرده و بیکجرا بکشاند. از آنحمله با تقویت احزاب متعادل بخود درصدد یافتن راه نفوذی برآید و است و چنین است که در چهار جیب مناسبات رقابت آمیز و ابر قدرت امپریالیستی روس و آمریکا، ایادی آنها نیز در مقابل یکدیگر صرف آرائی می کنند. خلق افغانستان مبارزات خونین را پشت سر گذاشته است و حساب آنها از حساب کسانی که چهره خوار امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم هستند جدا است. کسانی مانند کلیدین و سیف الدین که از پایه گذاران جریان "اخوان المسلمین" هستند، هرگز قادر نخواهند بود بیش از چند صباحی خلق افغانستان را با یوشن اسلام بفریبند. سردمداران "اخوان المسلمین" که امروزه از مبارزه علیه دولت ارتجاعی افغانستان دم میزنند، فی الواقع نمایندگان امپریالیسم غرب بوده و علم و کلاشان در چهار جیب تضاد و ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روس اعلام موجودیت مینمایند. یعنی فقط زمانیکه منافع غرب به خطری افتد شروع به "مخالفت" با دولت حاکم در افغانستان مینمایند و در غیر این صورت سکوت و سازش اختیاری می کنند. اینان که زمانی دولت ضد خلقی ظاهر شده و را خلق و مردم افغانستان را آشوب طلب میخواندند، امروزه جبهه عوض کرده و "مخالف رژیم کمونی افغانستان میگردد". کسانی که فقط با خطر کمب منافع بیشتر برای امپریالیستهای غربی با اصلاح جنبش براه می اندازند، منافع امپریالیستهای غربی را در کلاشان، درارکاشان، در سخنرانیهایی که اینجا و آنجا کرده اند، میتوان جستجو کرد. از جمله: "شهادت" ارکان این جریان مینویسد "دولت کمونیستی افغانستان نمیخواهد روابط نزدیکی با کشورهای دوست و برادر داشته باشد"، "دولت کمونیستی افغانستان مستشاران غربی یعنی دولت برادر دوست آلمان غربی را از افغانستان فراخوانده است". این نقل قولها نمایانگر چه مسئله ای میتواند باشد؟ آیا غیر از این است که با خطاب کردن "برادر دوست" به امپریالیسم آلمان، به چشم خلق افغانستان خاک می پاشند؟ خلقی که برای قطع نفوذ هرگونه امپریالیسم از موضع فی الحیث المجموع ضد امپریالیستی حرکت کرده و هرگز حاضر نیست با تکیه زدن بر امپریالیستهای غربی و مسکن زنجیریشان، بر علیه سوسیال امپریالیسم روس و ارتجاع داخلی بجنگند. برای وی تفاوت نخواهد داشت که کدام امپریالیست همه هستی او را به تاراج می برد. او برای افغانستانی آزاد و مکرانیک، که خارج از حیطه نفوذ امپریالیست و سوسیال امپریالیستی باشد، برای کسب حاکمیت خلق میزند و این اهداف با خواسته ها و اهداف نیروهای مذهبی جمع بسیار تفاوت دارد. چه اینک پس از کودتای اخیر و بروری کار آمدن بیک کارمل، این نیروها که عمدتاً در پیمان اتحاد اسلامی (متشکل از جمعیت اسلامی برهبری برهان الدین ربانی، "جبهه نجات ملی" برهبری صفت الله مجددی و "حرکت انقلابی اسلامی" برهبری محمد نبی محمدی) گرد آمده اند، به دولت جدید قول داده اند که چنانچه به خواسته های آنان پاسخ مثبت داده شود، دست از مبارزه خواهند کشید. خواسته های آنها شرح زیر است: ۱- تغییر پرچم افغانستان ۲- احترام به دین اسلام (که خود دولت مزورانه اعلام کرده به جبهه زده است و بیک کارمل یاد کردیم اللہ الرحمن الرحیم سخنان نخستین خود را آغاز کرده است) ۳- شرکت اینان در دولت. می بینیم که درخواستهای واقعی خلق در این طرح نشانی نیست و همچنین مسئله آزاد بیکاری، مکرانیک، بیرون راندن امپریالیسم یعنی استقلال، حقوق ملتها، محو مسمم قوود الی و حل مسئله ارض، بهبود وضع زندگی مردم، کار، مسکن و دیگر خواسته های اساسی خلق عامه آنه فراموشی سیرده میشود. حال آنها با طرح چنین خواسته های سازشکارانه و با تقدیه ای که از سوی امپریالیسم آمریکا و دیگر دول امپریالیستی و دولتهای مترجع عرب چون عربستان سعودی و همچنین مترجعین جنبی می شوند

میکنند برآتش مبارزات توده های افغانی آب سرد میپاشند. بیهوده نیست که امپریالیسم غرب وضد کمونیستهای دواشته از جمله رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از اینان گرد و غبار تبلیغاتی بر اه میاندازند. دفاع آنان از مترجعین مذهبی ناشی از دو مسئله مهم است: یکم از موضع عمیقاً ضد کمونیستی و دیدن ترتیب نفی بیکار زرمجویانه نیروهای کمونیستی و انقلابی افغانستان علیه رژیم وابسته به سوسیال امپریالیسم روس، تا از یکطرف با مخدوش کردن مرز بین کمونیستهای واقعی و رویزونیستها، آگاهانه به این مسئله سرویش گذارند که این کمونیستها و انقلابیون در لیز هستند که قاطعانه در راه رهائی خلق افغانستان می رزمند، و از سوی دیگر آن هان توده های خلق افغانستان را نسبت به ایده آل کمونیسم بد بین سازند. دوم اینکه با تقویت این جناح و به گمراه کشاندن مبارزات خلقهای افغانستان راه نفوذ را برای امپریالیستهای غربی باز نگذارند. حرکت اخیر در لتهای اسلامی مترجع در بر اه انداختن کفرانس اسلامی در پاکستان نیز در پی تحکیم این مسئله بوقوع پیوست. بیهوده نیست که شلزنسگر وزیر فاع اسبق آمریکا رئیس سابق سیا میگوید "بهترین راه برای تأمین منافع آمریکا در خاور میانه حمایت از اهل است" (هرالد تریبون شهریور ۵۸). این مترجعین چه آسان بزیر پرچم الله میخیزند تا به فریب توده هانائل آیند. بهرحال، امروز توده های افغانی جدا از شبکه های جاسوسی سیا و انتلیجنس سرویس به مبارزات خود ادامه میدهند. اگرچه بخشی از خلق به زیر رهبری مترجعین مذهبی گرد آمده اند، اما آنچه که آنها را به تخاصم علیه سوسیال امپریالیسم روس و اعمال دست نشاندگان کشانیده است، تضاد طبقاتی و ملی بوده و ونه تضاد بین امپریالیستهای غرب و شرق یعنی آنچه که موجب شکل گیری حرکت رهبران مترجع مذهبی شده است. در این بیکار دلاورانه، کمونیستهای افغانستان نقش فعالی را ایفا میکنند از جمله میوان از "سازمان تدارک و تأسیس برای ایجاد حزب کمونیست افغانستان - مارکسیست - لنینیست (اخگر)" در این میان نام برد. کمونیستها و انقلابیون واقعی افغانستان در تبرید مسلحانه علیه رژیم وابسته به سوسیال امپریالیسم بود و در طی این نبرد لطافت فراوانی به رژیم وارد کرده اند و همچنین با جانباختنهای خود در راه خلق هر چه بیشتر رهبران مترجع مذهبی را مفرد نموده و اعتماد توده هان نسبت به رهبران مترجع مذهبی، که ناشی از عدم آگاهی آنها میباشد، تا حد و دی سلب گرد و میروند تا به سو استفاده از تعلقات مذهبی توده هان توسط مترجعین وابسته به غرب پایان دهند. جندی است که "کمیته تدارک برای ایجاد حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست)" (ترکیب یافته از "اخگر"، "گروه جاوید" و "سازمان خراسان") در سطح مکرانیک به انتشار روزنامه های بنام "آزادی" اقدام نموده است. این روزنامه و همچنین ارگانی تئوریک بنام "درفس سرخ" به آگاه ساختن توده های افغانی برداخته و جهت صحیح مبارزه و هدف اصلی آنرا تشریح میکند. در عین حال که خلق را به مبارزه علیه امپریالیسم غرب بسرگردانی امپریالیسم آمریکا ترغیب کرده و به افشا مترجعین میسر می بردازد. کمونیستهای افغانی با آنکه صد هاشمید بر سنگ مبارزه برجای گذاشته و بسیاری روانه زندانهای قرون وسطائی شده اند، یک لحظه از مبارزه علیه ارتجاع داخلی و اربابان کرملین نشین آن غافل نموده و سنگریه سنگر پیش میروند. امروزه دفاع از حقانیت مبارزات آنها که بر توده های تحت ستم تکیه دارند، افشا جنایات سوسیال امپریالیسم روس و در اردوسته حزب "مکرانیک خلق"، دفاع از برحق بودن مبارزات توده ها و خط فاصل کشیدن بین این مبارزات و خوشرقصهای مترجعین مذهبی برای امپریالیستهای غربی و بیک کلام دفاع از ایده رهائی خلق افغانستان که جزا ز راه قهر انقلابی و تکیه بر تئوری انقلابی امکان پذیر نیست، از وظایف کمونیستهای ایران بوده و هرگونه دفاع ضمنی از دولت فاشیستی کارمل و "کمک برادرانه" جلوه دادن تهاجم سوسیال امپریالیسم روس به افغانستان، عملاً در تضاد با منافع خلق کبیرا افغانستان بوده و هیچ چیز جز پیچ کردن حقانیت مبارزات آنها معنی نخواهد داد.

پیکار علیه امپریالیسم تنها به استرداد شاه خلاصه نمیشود

از سوسیالیستهای ایران پیکار در راندی طبقه کارگر

حزب "رنجبران" دست دراز شده بورژوازی (۳)

پس از روشن شدن مواضع ارتجاعی و سابقه مشکوک و خیانت بار درود سته های تشکیل دهنده حزب باصلاح و رنجبران ، حال بنیمین این جمع وابسته به چین سرمایه داری چه میگوید و چه می خواهند ؟ قصدند ابرم در اینجایک یک نگه نظرات و مواضع این درود سته را شاکفته و سخن را بد زازا بکنانیم ، بلکه تنهایی جکیده نظرات فرموله شده این حریان مترع و مخرب در زمینه سیاست داخلی و خارجی بسنده می کنیم و در موارد مشخص و مسائل روز ، خواننده را به مقالاتی که تاکنون در سازمان باصلاح انقلابی آورده ایم و مقالاتی که بر مبنای ضرورت در مورد این یا آن حرکت و نظریه درود سته جدید خواهیم آورد ، رجوع میدهمیم .

برنامه این حزب در مورد سیاست داخلی چنین فرموله شده است : باید " اوضاع را بسوزد راه اتحاد بزرگ ملی که همان راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، راه نه شرقی نه غربی ، جمهوری اسلامی است ، تکامل بخشید و از حرکت ایران سوی راه وابستگی به ابر قدرت شوروی و راه انقلابی - گری کاذب جلوگیری نمود " (رنجبر ۸ دی ۱۳۵۸) هر انسان صادقی حتی اگر مدافع کونسیسم نباشد ولیکن مختصر آشنائی با اصول کونسیسم داشته باشد ، بقوریت خواهد گفت : این مزخرفات هیچ ربطی به کونسیسم ندارد . کدام کونسیستی در جهان تاکنون یافت شده است که مدعی گردد باید و آموال زحمتکشان در جمهوری اسلامی تحقق مییابد و جمهوری اسلامی (یعنی حاکمیت استثمارگران و همکاران و عمال امپریالیسم در تحت لوای اسلام) میتواند راه گذارنده جامعه سوسیالیستی را هموار سازد ؟ مسلماً هیچکس . زیرا کونسیستها در پی برقراری جامعه ای هستند که از اساس و بنیان و در تمامی مسائل سیاسی و جمهوری اسلامی که استثمار را مقدس و ابدی میسازد در تضاد است . کونسیستها معتقدند و این اعتقاد خویش را نیز بروشنی تمام بیان میدارند که تنها طبقه کارگر قادر است با رهبری انقلاب از طریق حزب کونسیست جامعه ای سوسیالیستی و سپس کونسیستی را که در آن از استثمار و نابرابری ها هیچگونه اثری نیست ، برقرار گرداند . درود سته سازمان باصلاح انقلابی و شرکای جدیدش نه تنها این حکم اساسی و خدشه ناپذیر مارکسیسم را زیر سؤال میکنند ، بلکه با صراحت تمام " ضرورت قبول رهبری امام " (همانجا) را تبلیغ و توجیه مینمایند . می بینیم که با اصطلاح " کونسیستهای برخورداریم " کسانی که معتقدند باید جمهوری اسلامی را با قیود رهبری امام تحکیم کرد و تکامل بخشید ! ! این گفتار که تحت عنوان دروین نظریه و برنامه " کونسیستی ارائه میشود نه تنها کوچکترین تشابهی با کونسیسم ندارد ، بلکه تماماً و کاملاً بر ضد کونسیسم میباشد که هم میتواند در روزی " رنجبر " درج شود و هم در روزنامه " جمهوری اسلامی " ، هم میتواند در حیره خواری رهبران خائن اینست درود سته را هموار سازد و هم دست و بال بهشتی ها و اعوان و انصارش را در چپاول دسترنج زحمتکشان مینماید و سرکوب فریاد های آزاد بخواهی و حق طلبی خلقهای ایران ، بازگردد .

لنین کبیر در زمانهای بنیین ، وقتیکه حریانیاتی مشابه با قدرتمندان کونی ادعای حکومت اسلام بارتک و لعاب ضد امپریالیستی را سر میدادند ، به کونسیستهای کشورهای در بند رهنمود میداد که : به " لزوم مبارزه علیه یان اسلامیم و حریانات نظیر آن ، که میگویند جنبش رها نیستی ضد امپریالیسم اروپا و آمریکا با تحکیم خانها و ملاکین و آخوند ها و غیره توأم سازند " (طرح اولیه تزهایی مربوط به مسئله ملی و مستعمراتی) ، توجه کامل مدول دارند . حال که حریانیاتی مشابه با یان اسلامیمستهای آبروی برابری که قدرت حکومتی تکیه زده و به تحکیم مواضع سرمایه داران ، ملاکین و آخوند ها و انواعهم و همچنین استثمار و سرکوب زحمتکشان با استفاده از قدرت حکومتی مشغول شده است ، فغانهای خائنانه ای تحت عنوان دروین " برنامه " کونسیستی " سر داده میشود که در این تحکیم قدرت میبایست همه ست یان اسلامیمستها و در تحت رهبری آنها ، موقعیت آنها را تکامل بخشید . چه بینرمانه و خائنانه است که در تحت ادعای کونسیست بودن این چنین مزخرفاتی را به توده ها تحویل داده و وقت با فریب آنها ، آنها را به زیر مهییز استثمارگران کشید .

درود سته مشکوک مورد بحث ، مدعی است که راه وابستگی ایران به ابر قدرت شوروی را بیستی سدود نمود . در اینکه ابر قدرت شوروی تلاش دارد میهن ما را در تحت سیطره خود در آورد و آنرا در دایره کشورهای وابسته بخود قرار دهد ، جای هیچگونه شکی نیست . ولیکن آیا میباید فقط راه وابستگی ایران به سوسیال امپریالیسم روس را سدود نمود یا دست کبیه امپریالیستهارا از ایران قطع کرد ؟ طرفداران و عمال سوسیال امپریالیسم روس ، خواهان خوابانیدن مبارزه ضد شوروی هستند و تحت عنوان سدود نمودن مبارزه با امپریالیسم آمریکا و متحدین امپریالیستی اش ، راه استقرار حاکمیت سوسیال امپریالیسم بر ایران را هموار میکنند . طرفداران و عمال امپریالیسم غرب برعکس این عده ، خواهان خوابانیدن و در صورت ناتوانی در این امر ، تخفیف مبارزه ضد آمریکائی و سایر امپریالیستهای غربی ، میباشد و تحت عنوان عمدگی داشتن سوسیال امپریالیسم روس در ایران ، در پی تقویت حاکمیت امپریالیستهای غربی بر ایران میباشند . درود سته " توده " از زمره پیروان راه اول و این درود سته خائن حزب باصلاح رنجبران از زمره رهروان راه دوم هستند . از همین روست کبیه درود سته آخری تنها از سدود نمودن راه وابستگی به سوسیال امپریالیسم روس سخن میگوید و عملاً مبارزه ضد امپریالیسم آمریکا را در ایران نفی مینماید . این درود سته در آنجائی هم که مجبور میشود بنا بر فشار جو مبارزه ضد آمریکائی توده ها ، کلامی چند در مخالفت با امپریالیسم آمریکا بگوید ، میگوید که از یکسو درجه اهمیت این مبارزه را تخفیف دهد و از دیگر سو از سایر امپریالیستهای غربی نه تنها نامی نیاورد ، بلکه ضرورت متحد شدن یعنی پذیرفتن بندی آنها را تبلیغ کند . به این مطلب در بررسی برنامه این درود سته در زمینه سیاست خارجی خواهیم پرداخت .

حزب " رنجبران " خواهان جلوگیری از " راه انقلابی کاذب " است . از دید کسانی که تلاش دارند ایده و آموال زحمتکشان و خلقهای رنج دیده میهن ما را در جمهوری اسلامی و رهبریت قدرت

مندان حکومتی جلوه گر سازند و مبارزه ضد امپریالیستهای غربی از جمله آمریکا را از دستور کار خارخار نمایند ، چه راهی میتواند " انقلابی کاذب " باشد ؟ راهی که بخواید استثمار را بریننه کن کند ، راهی که بخواید سرمایه داران و ملاکین و عمال امپریالیسم را از قدرت براندازد ، راهی که بخواید برابری کامل خلقهای ایران را تحقق بخشد ، راهی که بخواید دست تمامی امپریالیستها ، چه آمریکائی و چه روسی ، چه آلمانی و فرانسوی و چه ژاپنی و انگلیسی و غیره ، را از میهن کوتاه گرداند و در یک کلام راهی که بخواید انقلاب را ادامه داده و با سرنگونی حاکم و بیرون راندن امپریالیسم راه رسیدن به جمهوری دمکراتیک خلق و سوسیالیسم و کونسیسم را هموار سازد . آری ، به نظر درود سته مشکوک مذکور ، این راه ، یعنی راه آزادی زحمتکشان ایران از قید و بند سرمایه ، یعنی راه رهایی خلقهای میهن ما از اسارت امپریالیستها ، " انقلابی کاذب " نامیده میشود . زیرا این راه از اساس و بنیان آنچه که رهبران و گردانندگان خائن حزب باصلاح رنجبران بدنبال آتند ، یعنی ابدی نمودن استثمار زحمتکشان ، در تضاد کامل و همه جانبه میباشد . برای اساس است که این درود سته خواهان سرکوب انقلابیون میهن ماست و همانطوریکه در نوشتجات سازمان باصلاح انقلابی و شرکای جدیدش دیده ایم ، در مواردی که ارتجاع حاکم بر روی خلق شمشیر کشیده و از جمله در کردستان ، در حمله بر نیروهای انقلابی ، در حمله به اعتصابات و تظاهرات ، در حمله به نهاد های دمکراتیک و به حمایت بی چون و چرا از ارتجاع حاکم برخاسته است .

برنامه این درود سته در زمینه " سیاست خارجی عبارت است از : " ضرورت اجرای سیاست خارجی بر مبنای اتحاد با کشورهای جهان سوم ، جلب کشورهای جهان سوم و مبارزه علیه جهان اول " (رنجبر همان شماره) . هیچ سیاستی مترجمانه تر از این نمیتواند باشد . کشورهای " جهان سوم " که امین کشورهای هستند ؟ کشورهای " بمانند مصر ، ژنیر ، اندونزی ، عربستان سعودی ، اردن و غیره . تعداد اندکی از کشورهای باصلاح جهان سوم با اینکه استقلال و آزادی واقعی را بدست نیاوردند و در همکاری با این یا آن امپریالیسم قرار گرفته اند ولیکن در وابستگی شدید و بردگی بنسبه امپریالیسم قرار دارند . در این اندک کشورهای با اینکه این یا آن اقدام ضد امپریالیستی (در ارتباط با امپریالیسم معینی و نه مجموعه جهان امپریالیستی و سرمایه داری) توسط حکومتها بشان انجام می - پذیرد ولیکن این اقدامات در درجه اول در جهت منافع سرمایه داران حاکم میباشد و نه توده ها زحمتکش و علاوه بر این زحمتکشان این کشورها در شدید ترین شکل در زیر استثمار و زورگوییهای قدرت - مندان حکومتی قرار گرفته اند . اکثریت بزرگ کشورهای در بند (یا باصلاح خائنین جینی و مزدورانش " جهان سوم) و از جمله چند نمونه ای که در بالا برشمردیم ، در وابستگی شدید به امپریالیسم قرار داشته و حکومتهای آنها بنا بر منافع امپریالیسم حاکم در آن کشورها عمل میکنند . حال سخن از اتحاد با این کشورها را سردار آن چه میتواند باشد ؟ آیا چیزی جز خیانت به منافع خلقهای این کشورها خواهد بود ؟ این درود سته سخن از اتحاد با خلقهای این کشورها نمیکوید بلکه اتحاد با کشورهای جهان سوم " یعنی حکومتهای آنها را در نظر دارد . یعنی همان حکومتهای که مورد تنفر خلقهای آن سرزمینها بوده و آماج حمله این خلقها قرار دارند . لنین کبیر در مورد این کشورها چنین رهنمودی به پرولتاریای جهانی میدهد : " در مورد مسئله ملی و مستعمراتی باید نزدیک شدن پرولترها توده ها زحمتکش همه ملل و کشورهای مبارزه انقلابی مشترک در راه سرنگون ساختن ملاکین و بورژوازی قرار داده شود . زیرا فقط این نزدیک شدن است که پیروزی بر سرمایه داری را که بدون آن محو مستعمری ملی و عدم تساوی حقوق ممکن نیست ، تضمین مینماید . " (طرح اولیه تزهایی مربوط به مسئله ملی و مستعمراتی - تکیه از ماست) می بینیم که بین رهنمود لنین کبیر و مزخرفات درود سته مشکوک " سه جهانی " از جمله حزب باصلاح رنجبران از زمین تا آسمان تفاوت موجود است . لنین از اتحاد با توده های زحمتکش برای سرنگون ساختن فئودالیسم و سرمایه داری سخن میگوید و درود سته مورد بحث ما اتحاد با حکومتهای مترع سرمایه داری و با فئودالها و سرمایه داران وابسته را برای سرکوب زحمتکشان و کونسیستهای واقعی که خواهان محو مستعمری و استثمار هستند ، تجویز میکند . ایان همآ گونه که خود در ایران به زانده " ارتجاع حاکم تبدیل شده و در راه تحکیم این ارتجاع از هیچ خیانتی فروکار نمی کند ، میخواهند که در سراسر جهان نیز تمامی مترجمین که در همکاری و وابستگی با امپریالیستهای غربی قرار دارند ، بر قدرت حکومتی یا اجرا بمانند .

کشورهای " جهان سوم " که امین هستند ؟ این کشورها که از طرف خائنین رژیونیست " سه جهانی " بنام باصلاح جهان سوم خوانده میشوند ، کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری در بند یافته مانند آلمان ، ژاپن ، فرانسه ، انگلستان و غیره میباشدند . خواهان جلب این کشورها شدن یعنی یگانگی با آنها را ایجاد نمودن ، چه مفهومی میتواند داشته باشد ؟ بنظر خلقها و زحمتکشان جهان هیچ چیز جز همکاری با امپریالیستها به منظور غارت دسترنج و ثروتهای ملی زحمتکشان . خواهان اتحاد با امپریالیستها شدن مفهومی جز خیانت و تلاش در وابسته نمودن درود سته رژیونیستهای " سه جهانی " کشورهای امپریالیستی را به کشورهای خوب و بد تقسیم می کنند . تمام امپریالیستهارا جز و ابر قدرت آمریکا و شوروی را از زمره امپریالیستهای خوب میخوانند که بایستی آنها را بسوی خود جلب نمود و با آنان متحد شد . این درود سته هر چند سخن از مبارزه با و ابر قدرت میگوید ولیکن در واقعیت امر مبارزه با امپریالیسم آمریکا را نیز تحت عنوان عمدگی مبارزه با سوسیال امپریالیسم روس از دستور کار خارج نموده و آمریکا را در حرحه دشمنان قرار میدهد . موضع انقلابی در مقابل امپریالیستهای کونکون از جمله امپریالیستهای غربی (چه با آمریکا چه بدون آن) و بلوک سوسیال امپریالیستی چه میتواند باشد ؟ کونسیستها و سایر انقلابیون واقعی از این نقطه نظر صحیح حرکت میکنند که جهان کنونی بد و اردوگاه انقلاب و ضد انقلاب تقسیم شده است . کبیه امپریالیستها و مترجمین در اردوی ضد انقلاب بنده در صفحه ۷

تمام سرمایه ها و صنایع وابسته به امپریالیسم باید بلا درنگ بنفع زحمتکشان مصادره گردد!

ارشیدو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پاداش برای سرکوب خلق کرد

هنوز خاطره پاداشهای تنگن محمد رضاشاهی به مزدوران و عواملش جهت تشویق و تقویت به سرکوب خلق، از اذهان مردم فراموش نشده است و اینکه چگونه با همین پاداشها و تطمیع مالی، رژیم منقرض پهلوی قادر گردید به یونرئیزه خوارانی رادراجرای او امر خائنانش به خدمت بکمارد.

درست در سالگرد قیام خونین بهمن ماه خلق کرد یکبار دیگر مورد یورش پادشاهان و ارتش جمهوری اسلامی قرار میگردد و درست در چنین زمانی است که آیت الله حاج شیخ عبدالعلیل جلیلی سرپرست حوزه علمیه کرمانشاه مبلغ یک میلیون و هفتصد و هفتاد و پنج هزار ریال تحت عنوان عیدی به پادشاهان "انقلاب" می بخشد. حال این مبلغ از کجا تأمین شده است کاملاً روشن است. یا از

شکایت پدریکی از شهدا از کمیته ساوه

نامه ای که در زیر ملاحظه میشود آنگاه در گویا و روشن است که توضیح بیشتر لازم نمی بینیم. فراموش نشود که دست اندرکاران در آگاههای "انقلاب" ظاهراً اعلامیه هایی صادر میکنند مبنی بر اینکه اگر جنسانچه از فلان ساواکی و یا فلان عامل کشتار مردم شکایتی در دست است، به آنها ارائه داده و برای شهادت در دادگاه حاضر شوند که البته بعد هم

حضرت آیت الله العظمی نایب امام خمینی (من پدر پیر، شهید تقی صفری که در ساوه بخون خود غلطید اکنون همه روز مورد تعقیب و آزار شیخ علی-موجود و کمیته ساوه هستم که از قاتل فرزندم رضایت برو سوزیده بدهم با وجود واضح بودن قاتل در پرونده بعثت و استیغای او به شیخ علی و کمیته ساوه از مجازات اعدام نجات یافت و اکنون او را در کمیته نگهداشته اند که آزادانه بعنوان زندان کردنش مینمایند. در حالیکه افراد بیگناه مانند یکن که مادر چهار طفل ضعیف است و پیرمرد هفتاد ساله به بهانه ای واهی در ساوه تیرباران میشوند. اکنون من پیرمرد که با یستی در هشتاد سالگی برای معاش خود

کارگری نمایم و فرزند خود را از دست داده ام از ترس شیخ علی-آسایش ندارم شب گذشته پاسدار بخانه من ریخته مرابور به کمیته بردماند و تهدید و اهانت و ناموسا را کرد اگر رضایت ندهی تورا مجازات میکنم آیا این است دستگیری و دلجوئی نسبت بخانواده شهیدان. مادر پیر شهید از وحشت ریختن پاسداران بخانه اکنون در حال مرگ است برای شیخ علی موجود و عبدالمهدی وفاقی که با تانی قاتل فرزندم را از مجازات رها ندهند، و این اعمال را مرتکب شده اند تقاضای کیفر می نمایم. با تقدیم احترام علی اکبر صفری ساکن ساوه خیابان فلاحت کوچه جوانشیرپلاک ۱۲.

رئیس حزب جمهوری اسلامی درسورم-ق کیست؟

گرفتن وی بیاسخ خدمتایش به رژیم محمد رضاشاه، باخبر میباشند، اما از آنجائیکه این چنین افرادی بهتر از هر کس منافعیان را بر آورده میسازند، حاج سید عبد الکرم عظیمی را بعنوان کارگزار خود در سوزم خدمت گرفته اند. از این چنین حزبی که در رأس آن کسانی چون بهشتی قرار دارند، بیش از این هم نمیتوان انتظار داشت.

حاج سید عبد الکرم عظیمی که زمانی بعنوان رئیس خانه انصاف سورمق (از توابع آباده) بر رژیم محمد رضاشاهی خدمت میکرد و طبع سند زیره دریافت نشان نائل آمده است، امروز رئیس حزب جمهوری اسلامی سورمق میباشد و از طرف حاکمان جدید به پیشوائی اهالی برگزیده شده و مردم را به اقتدار کردن به او بهنگام نماز فرامیخوانند. سرمداران حزب معلوم الحال بخوبی از جریان نشأ

حزب رنجبران.....

و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده در باروی انقلاب فرار گرفته اند. درین این دو ارد و هیچگونه اتحادی وجود ندارد و نمیتوان وجود داشته باشد. اردوی انقلاب هیچگونه وحدت یا تمامی یا بخشی از اردوی ضد انقلاب یعنی اردوی امیرالیسم ندارد. تنها کسانی میتوانند وحدت با اردوی امیرالیسم و یا بخشی از آن را توصیه کنند که هدف پلیدخیانت به خلقهای ستمدیده و پیروانرای جهانی رادارند. آنها در این راه تلاش می کنند که هدف پلید خود را با اد هها و یا صد هارنگ فریب دهند و حملات به اصطلاح مارکسیستی بیالایند تا آن هدف را از نظر هاستور برارند. اینان از جمله استفاده از تضاد درونی بین امیرالیستهارادگرگون جلوه میدهند و با اتحاد موقتی با برخی کشورهای امیرالیستی در مقطع زمانی معینی توسط شوروی استالین یا چین مائوتسه دون را که بر علیه جبهه فاشیسم در سطح جهان بود، مثال میزنند و تلاش میکنند که آن اتحاد موقتی را از زمان و شرایط و موقعیت مشخص خود خارج کرده و بصورت حکم کلی در آورند. اینان تلاش دارند تا از این طریق خلقهای ستمدیده و پیروانرای جهانی را برای همیشه به زیر یوغ بندگی این یا آن بلوک بندی امیرالیستی بکنند. استفاده از تضاد های درونی امیرالیسم امری کاملاً درست است و اتحاد موقتی شوروی استالین نیز در زمان جنگ دوم جهانی امری درست بود که از شرایط و موقعیت آن زمان نتیجه میشد و هیچکدام از این مسئله ربطی به جلب نیروهای امیرالیستی و وحدت با این یا آن نیرو و بلوک بندی امیرالیستی ندارد. لنین کبیر در این مورد میگوید: " برای آنها تیکه تفکرشان از حد مناسبات سرمایه داری تجاوز نمیکند، قابل درک نیست که طغند کارگر، چنانچه آگاهانه عمل کند، از هیچکدام از دو گروه در آن امیرالیستی دفاع نخواهد کرد" (سیاست خارجی انقلابی روس). اما در اردو سته حزب باصطلاح رنجبران نه تنها تفکرش از حد مناسبات سرمایه داری تجاوز نمیکند، بلکه کاملاً آگاهانه میگویند که خلقهای میهن مارادار زیر یوغ بندگی امیرالیستهای غربی باصطلاح خود ش "جهان دوم" نکهت دارند. ننگ بر این خیانت - پیشگان و عوامل بیگانه. از همین روست که در مورد سیاست داخلی فقط خواهان مبارزه با سوسیال - امیرالیسم روس هستند و مبارزه با امیرالیستهای غربی را کاملاً از دستور کار خارج نموده و وحدت با این امیرالیستهارا سر میدهند و در مورد امیرالیسم آمریکا نیز چون بر اثر فشار مبارزه ضد آمریکائی تود ه ها قادر به نفعی ضرورت آن نیستند، در پی تخفیف آن میباشند. کمونیستهای ایران برنامه ای انقلابی را که خلاف سیاست دارد سته خاش "سه جهانی" میباشد، دنبال میکنند. کمونیستهای واقعی خواهان مبارزه با تمامی امیرالیستهای آمریکا، چه شوروی و چه امیرالیستهای اروپائی و ژاپنی میباشند و در همان حالیکه عمدگی مبارزه با امیرالیسم آمریکا را در ایران فراموش نمیکند، از مبارزه با سایر امیرالیستها و از جمله سوسیال امیرالیسم روس خاف نده و نخواهند ماند.

لنین میگفت: " در واقع شریترین دشمنان سوسیالیسم، خائنین به سوسیالیسم، خونبست های خرد و بورژوا و عمال بورژوازی در داخل جنبش کارگری هستند" (طرح اولیه تزه ای مربوط به مسئله ارمنی). در اردو سته حزب باصطلاح رنجبران سان گروهکهای خائنی که این تشکل را بوجود آوردند، از جمله این شریترین دشمنان سوسیالیسم هستند. آنها تلاش دارند که در زیر عنوان دروغین کمونیستی، کمونیسم را بی اعتبار ساخته و استعمار را ابدی گردانند، میهن مارادرواستیگی نکهت داشته و موقعیت طبقات و اقتدار مترجع را تحکیم بخشند. این عناصر در صف ضد خلق قرار گرفته اند و مبارزه علیه آنها بخشی از مبارزه علیه ارتجاع داخلی و امیرالیسم جهانی میباشد. آنها هر چند هم که تلاش ورزند تا پیشرفت تاریخ را مانع گردند، باز قادر نخواهند شد که به این هدف دست یابند. چرخ تاریخ را نمیتوان از حرکت باز داشت. تاریخ به پیش میرود و این عوامل ارتجاع را بمانند تمامی مترجمین دیگر اربابان آنان به زواله دانی تاریخ خواهد افکند.

وزارت دادگستری
شماره ۲۹۳
تاریخ مرداد ۱۳۵۰

بنابه استدعای وزیر دادگستری حسب الامر مطاع مبارک

علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
یک قلعه نشان درجه سه عدالت پاداش خدمت به
آقای عبد الکرم عظیمی رئیس خانه انصاف سورمق آباده
اهداء میشود
وزیر دادگستری صادق حمیدی

چه کسانی حق دارند قانون کار بنویسند؟

(اطلاعات ۲۴ دی ۵۸) براساسی مشاهده نمودید که نظر خواهی دولت سرمایه داران از کارگران چگونه است . آقای نعمت زاده با این که خود اعتراف دارد که این ماده چه قبل و چه بعد از انقلاب مورد اعتراض بوده و با اینکه می داند که کارگران هنوز هم خواهان لغو این ماده هستند ، اما باز هم میخواهد بعلت رعایت جنبه انسانی این قانون آن را به ترتیبی اجرا نماید . کارگران شما میدانید که ماده ۳۳ قانون کار همان ماده ای است که میگوید " هرگاه قرارداد کار برای مدت نامحدود منعقد شده باشد ، هر یک از طرفین میتواند با ۱۵ روز اخطار کتبی قبلی آن را فسخ نماید . کارگر اخراجی در صورتیکه یکسال اعم از متوالی یا متناوب نزد کارفرما خدمت کرده باشد کارفرما بایستی در موقع فسخ قرار داد نسبت به بزرگترین سود خدمت معادل ۱۵ روز آخرین مزد کارگر به او پرداخت نماید " (نقل از کتاب مجموعه قوانین و مقررات کار)

این ماده قانون چنانکه دیدید صرفاً دست سرمایه دار را برای اخراج شما باز میکند . از نظر آقای نعمت زاده باید جنبه های انسانی رعایت شود تا سرمایه داران زمانی ناراحت و نگران نشوند و این جنبه انسانی این قانون ارتجاعی است که نعمت زاده ها خواهان لغو آن هستند . کارگران این نمونه کوچکی از نظر نعمت زاده هادر مورد قانون کار بود . حال خوب قضاوت کنید که آیا حقیقت دارد که کارگران میتوانند قانون کار خود را خود تنظیم نمایند؟ در صورتیکه دولت خود از قبل نظریاتش را در این مورد تنظیم نموده است . کارگران باز هم میگوئیم تنها خود شما و نمایندگان واقعیات آن بدلیل اینکه از نزدیک زنجیر و درد هایتان را لمس نمودهاید باید قانون کار واقعی حافظ منافعتان را تدوین کنید . کارگران شما بدلیل اینکه خرجهای اقتصادی مملکت را بگردش میاندازید ، بدلیل این که با تمام نقیصه در تولید دارید و خودتان کمترین بهره را میبرید و بدلیل اینکه با زوان توانایان رسالت تاریخی در واژگون سازی سیستم سرمایه داری دارند ، باید با مبارز قاطعانه و بیگیر خود ثابت نمائید که قوانین سرمایه داران را برسمیت نمیمناسید . کارگران شما باید با مبارزه خود قانون کارگری حافظ منافعتان را تصویب کنید . این قانون که منافع شما را در برگیرد همان قانونی است که در منافع تمام زحمتکشان را حفظ خواهد کرد ، زیرا منافع تمام زحمتکشان را حفظ خواهد کرد ، زیرا منافع تمام زحمتکشان و خلقهای ایران در کزو حفظ منافع شما است . کارگران شتهای پولدارینتان را بالا ببرید و از آن پیک محکمی بسازید و بر فرق سرمایه داران تازه بدوران رسیده که میخوانند با مکر و حیله شما را فریب دهند ، بکویید . دستهای توانایان را بهم دهید و از آن زنجیری بسازید که هیچ نیرو و هیچ قدرتی نتواند این زنجیر را از هم بگسلد . صداهایتان را یکی کنید و با فریاد بلند به خلقهای ایران بکویید که خواهان چگونه قانونی هستید . مشکل شویید و بدور اتحادیه ها واقعی خود کرد آید اتحادیه هایتان را تشکیل داده و از آن طریق خود قوانین حافظ منافع خویش را تصویب نمائید .

اسلحه بجای ...

بلژیک وارد میشد . بعد از قیام هم همان روش قدیمی ادامه دارد و بتازگی تماسهایی با زاین برآ تهیه بعضی مواد اولیه برقرار شده بود .

قطعات یدکی :
سبب پیچیدگی و مدرن بودن ماشین آلات این کارخانه و همچنین انحصاری بودن تکنولوژی و تهیه ایالیف اکریلیک و پلی استر ، امکان تهیه قطعات یدکی در داخل و حتی از بیشتر کشورهای خارجی میسر نیست ، بلکه باید از شرکتهای مشخص و معینی که سازنده ماشین آلات این کارخانه بوده اند ، تهیه کرد و بطور کلی میتوان گفت که از نظر مواد اولیه و قطعات یدکی و همچنین سرمایه گذاری ، این کارخانه در وابستگی صد در صد به امپریالیسم میباشد .

اسلحه بجای نان :

طبق اخبار حاصله ، رژیم جمهوری اسلامی تصمیم گرفته است تا با دستکاری لازم ، این کارخانه راه کارخانه تولید مواد جهت تسلیحات ارتشی تبدیل بنماید .

آباد رزمان کونی که صنایع کشور ما به پیچیده قادر نیست مهمترین مایحتاج مصرفی مردم را تولید کند و کرانی و کمبود مایحتاج اولیه ، مردم را بدست زیر فشار قرار داده ، باید این کارخانه ها در جهت تولید اجناس مصرفی و مورد احتیاج مردم بازسازی شود یاب کارخانه اسلحه سازی کمتی میدل کردند روشن است که از بدگاه مردم شق اول صادق است ، اما از بدگاه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که در تکیا بوی حفظ نظام وابسته به امپریالیسم است برای سرکوب مردم احتیاج به ساختن اسلحه می -

باشد .
امروز بر شرایطی که سرمایه داران در کار تهیه مواد خام برای کارخانه های دیگر شدید آراشکنی می کنند و دولت نیز با آنها هم مقام است ، برای چنین کارخانه هایی که تولیدات آنها با نیاز مردم هیچ ربطی ندارند ، برای مدت ۵ ماه مواد خام تهیه می کنند . امروز در حالیکه هنوز هیچ کوششی برای تبدیل کارخانه های مونتاژ به کارخانه های تولید کننده خود کفا انجام نگرفته و فقط در حرف ادعای آن میشود ، با وجود آوردن تغییرات و ترمیمات در کوره اصلی این کارخانه که روزانه ۷۰ تن ایالیف پلی استر و ۵۰ تن ایالیف اکریلیک تولید می کند ، آرنابه کارخانه ای برای تولید مواد جهت تسلیحات ارتشی تبدیل مینمایند . آقای وزیر صنایع و معادن نیز از این عمل قدراتی میکند . این است نمونه از عملکرد های ضد مردمی دستگاههای حاکمه .

برای پیشبرد مبارزه بکمکهای مالی شما نیازمندیم

کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید با نام مستعار به ما برسانید . ما بعضی دریافت آن در اولین شماره نشریه خیر دریافت را همراه با مبلغ ارسالی با ذکر همان نام مستعار درج خواهیم کرد .

مسئله شورا

ولی ما میبایستی حرفمان را بسازیم . یک اصل آن راجع به این بود که اگر در اعلامیه ای توهمین سه شخص رهبر و جمهوری اسلامی و اسلام شده باشد باید با " سند " باشد . و اگر گروهی خواست اعلامیه نصب کند میبایستی که سند آنرا هم در کنارش ضمیمه نماید . چند تائی از بچه ها با این اصل مخالفت کردند . آنها استدلال میکردند که مادر چند ماه پیش گفتیم که امرو نظام وابسته به امپریالیسم است و در ضمن سند هم وجود داشت ولی قبول نمیکردند و میگفتند ما هاضد انقلاب و یاکافریم . با این اصل ۱۰ تا ۱۱ نفر مخالف بقیه موافق بودند در مورد اصل دیگر راجع به اینکه " سخنران باید اسلامی و متعهد باشد " بچه ها گفتند اسلامی و متعهد غیر اسلامی باشد . روی همین اصل خیلی بحث شد تا اینکه متعهد غیر اسلامی به آن اضافه شد . اصل دیگر این بود که اگر شخصی را خواستند از مدرسه اخراج کنند روی معیار ایدئولوژی اسلامی باید باشد . بچه های ایدئولوژی اسلامی مخالفت کردند اما مخالفان کم بودند و تأثیری نداشت و تمام اصلها به تصویب رسید . بعد موقع انتخاب کاندید برای شورا رسید . مایکی از بچه ها را انتخاب کرده و گروه دیگر کلاس هم همان نماینده قلی را انتخاب نمود اما چون هر کلاس در نماینده باید داشته باشد و کاندید هاهم باید نفر باشند ، که از میان آنها دو نماینده انتخاب شوند ، یک نفر دیگر هم کاندید کردند . جمعا سه نفرند ولی هنوز یک نفر دیگر کم بود . یکی از بچه ها گفت من کاندید میشوم ولی بمن

رأی ند هید بلکه به نماینده قلی رأی دهید . (نماینده قلی یکی از فالانترین افراد کلاس بود) بالاخره رأی گیری صورت گرفت و شمارش آراء روی تخته نوشته شد . نماینده قلی انتخاب شد ولی دو نفر کاندید دیگر رأی یکسان آوردند . در واقع میبایست نماینده ها انتخاب میشد بخاطر اینکه یک نفر از بچه ها از طرف دوستش که غایب بود رأی داد یعنی اینکه اگر او از طرف دوستش رأی نداد بود ، نماینده ما بیشتر رأی می آورد . ما چند باور کلاس گفتیم کسی که غایب است حق رأی ندارد و دبیر هم گفت کسی که غایب باشد هیچکس نمیتواند بجای او رأی دهد . آنها گفتند این یک نفر غایب فردا می آید و رأی میدهد . ما گفتیم وقتی که نتیجه رأی اعلام شد آن شخص غایب دیگر نمیتواند در رأی گیری شرکت کند . آنها گفتند پس بگذریم و دوباره فردا رأی گیری کنیم و خیلی بهانه آوردند بخاطر اینکه نماینده ما وارد شورا نشود . ما قبول نکردیم و گفتیم دیگر دوباره رأی نمیدهم و این نماینده ما هست شورا برخلاف اصول قبل از اینکه نمایندگان شورا انتخاب شوند ، انتخاب شده بودند . این دیگر معلوم نیست چه نوع شورائی است . چون اول باید نمایندگان انتخاب شوند و سپس آنها از میان خود کادر مرکزی راتعیین نمایند . در حالیکه معلوم نیست این کادر مرکزی از طرف چه کسانی و به چه محوری تعیین شده اند .

پرتوان باد جنبش انقلابی خلق کرد

دست مرتجعین

خواهید دید که گاهی اوقات بخاطر یخ پندان خیابانهای گلی و پر از برف "خاک سفید" زن سنی در حال بردن کاری دستی با همان ظروف آب روی زمین لیز خورده و نه تنها صدمه جسمی میبیند ، بلکه ظروف آب نیز زمین افتاده و او مجبور است راه طی شده را دوباره برگشته و مجدداً ظرفها را آب کند . بهر حال از صدفه سر دولت "انقلابی" و با برنامه های "انقلابی" هنوز بعد از یک سال آب مصرفی اهالی "خاک سفید" از این طریق تأمین میشود . از دیگر احتیاجات مردم آن جا برق میباشد و بهمین خاطر مردم منطقه "خاک سفید" هر چند خانوار میلیونی روی هم گذاشتند ، کابل و سیم خریدند و آنها را به تیرهای برق هر خیابان متصل نمودند تا از این طریق برق خانه ها تأمین شود . اما از آنجا که دستگاههای "انقلابی" دولت باصطلاح انقلابی از قبیل شهرداری اداره برق ، کمیته های امام و سپاه پاسداران حقا در سرکوب مردم و تخریب "انقلابی" عمل میکنند ، بهمین جهت هر چند روز یکبار افراد کمیته و پاسداران و مأموران اداره برق با یکی دو وانت بار به "خاک سفید" هجوم آورده ، مغول وارشورع به قطع کابلها و جمع آوری آن میکنند و با بارپساز سیم و کابل و بقول معروف دست پر از "خاک سفید" میروند . کسی چه میداند شاید سیم و کابل مصرفی اداره برق و یا کمیته ها و جبهاد سازندگی از همین کابلها و سیمهای زردی از مردم زحمتکش تأمین میشود . بعد از یکی دو روز مردم فقیر و ستمدیده "خاک سفید" دوباره مجبورند از زخوارک و پوشاک خود کم کرده ، پولی روی هم بگذارند و دوباره کابل بخزند و برق به خانه بیاورند . اما رویای داشتن برق مجدداً اکثر یک هفته دوام دارد ، و چونکه دوباره گرازهای وحشی حامی سرمایه داران دست خالی با وانت بار به منطقه آمده و کابلها را جمع آوری کرده و دست پر بر میگردند . از دیگر کارهای "انقلابی" این دار و دسته این است که بدون هیچ دلیل و علتی شبانه در سکوت و تاریکی منطقه (بخاطر این که روز جراثش را ندارند) پنخانهای یورش برده و هر کدام از افراد خانه را که دم دست باشند گرفته و به درون جیبهای ارتش جمهوری اسلامی انداخته ، به یادگان جمهوری اسلامی طهران پارس و یا زندانهای اوین که قرار بود در رژیم کنونی تبدیل به موزه شود ، بسر میبرند . بدون آنکه حتی به سایر افراد خانواده بگویند که آنها به کجا برده میشوند . براسی که این حرکت انسان را بیاد شبرگرد بیهای ساواکبهای رژیم شاه می اندازد .

مردم خاک سفید که دیگر از مهربانیهای جمهوری اسلامی خاندان به لیسان رسیده است ، بسا روبرو شدن با این دزدبها و حملات و سرکوبهای وحتیانه دولت کنونی تصمیم گرفتند که صدای اعتراض و حق طلبی خود را به گوش مسئولین برسانند . بهمین خاطر صبح روز جمعه ۱۲ بهمن ماه ابتدا چندین نفر ماشین و بلند گو به محله های مختلف منطقه آمده و مردم را به اجتماع برای دادخواهی دعوت کردند . در ساعت سه بعد از ظهر عده زیادی در یک محل جمع شدند و سپس قطعنامه ای که تهیه شده بود خوانده شد . در این قطعنامه از مسئولین امور خواسته شده که به وضع مردم خاک سفید رسیدگی شود . البته قطع-

در ادامه مبارزات

داشت که پشتیبانی از شورا میکرد . فرد دوم نام بنده کارگران جدید بود که پشت تریبون رفت و خواسته های کارگران را اعلام داشت . رئیس گلسی این خواستها بقرار زیر است :

- ۱- ایجاد نماز خانه .
- ۲- احداث حمام با اندازه کافی .
- ۳- احداث نهار خوری .
- ۴- رسیدگی به وضع چله ها .
- ۵- اضافه دستمزد کارگران جدید که اکثر آنها از بعد از عید تا کنون هنوز هم با حداقل دست مزد یعنی ۷/ ۵ تومان کار میکنند .
- ۶- تقسیم عادلانه برنج بین قید بیهوا و جدیدها .
- ۷- پرداخت ۹ تومان به بافنده های جدید که این مبلغ را کمتر از قدیمها دریافت میکنند .
- ۸- اضافه دستمزد کارگرانیکه بعنوان رزروکار میکنند .
- ۹- محکوم کردن این عمل که تحت عناوین مختلف میخواهند اختلاف بین جدیدیها و قدیمیها را دامن بزنند .
- ۱۰- جلوگیری از اخراج کارگران توسط شورا یا کارفرما که این اخراج باید زیر نظر خود کارگران باشد .

بعد از این شخص بیشتر سخنرانان در رابطه با افتاء شورا شروع به صحبت کردند . افرادی چون "بهرام ترک" و "رضا رعیت" (رئیس سندیکای قلی) جزو سخنرانان بودند . در این افتاء گری ها روشن شد که افراد شورا با سوء مأموریت بسه شهرهای خود رفته و حق مأموریت گرفته اند و بسا افراد شورا بدون انجام اضافه کاری پول اضافه کاری را دریافت کرده اند . بعنوان سند کارتها حضور و غیاب این افراد ارائه شد . در این جلسه معلوم شد که آقای احمدی رئیس شورا با پول کارخانه بکه رفته و حاجی شده است . همچنین معلوم شد که چگونه مقدم با همدستی شورا پارچه هائی که باید متری ۱۳۵ ریال فروخته شود ، مبلغ ۸۰ ریال برگ فروش صادر کرده و مابقی را خودشان زردیده اند . و اینکه اعضاء شورا وسر-

پرستان بطور فامیلیها و آتناهای خود را از خط تولید بیرون آورده و آنها را در قسمتهای اداری کارخانه بکار گماردند . شورا که حساسی افتساء شده بود ، در آخر جلسه کاملاً به حال تدافعی افتاد و برای تیرنه خود و فرار از جواب دادن چارهای ندید جز اینکه به افرادی چون "بهرام ترک" و "رضا رعیت" حمله کند و کثافتکاریهای آنان را رو کند . در این بین یکی از کارگران به وسط جلسه آمد و شروع به صحبت کرد و گفت این دعوا دعوی دوتا دزد است و بنا ارتباطی ندارد . ما خواهان رسیدگی به خواسته های خود هستیم . در آخر همین جلسه "بهرام ترک" سعی داشت کارگران را با شعار "شورا باید منحل بشه" بدور خود جمع کند . یک دسته از کارگران با شعار "نه شورا ، نه رعیت" از سالن خارج میشوند . حدود سه روز بعد از جلسه عمومی در پست یک چند نفر از کارگران خواسته های خود را در قطع نامه ای اعلام کردند ، در این قطعنامه علاوه بر خواسته های کلی که در جلسه عمومی توسط یکی از کارگران اعلام شده بود حق چهار ساعت کار در هفته نیز مطرح میشود . کارگران شروع به جمع آوری اضاء را تأیید این قطعنامه نمودند . در حد بیست اضاء جمع شده بود که قطعنامه بوسیله یکی از گردانندگان سندیکای سابق که در حال حاضر برضد شورا حرکت میکند به دفتر سرپرستها برده میشود . نمایندگان کارگران جدید نیز به دفتر سرپرستها رفته و شروع به اعتراض و درگیری با سرپرستها میکنند . در همین موقع مسئولین کمیته مستقر در پل سیمان که بوسیله سرپرستها از جریان با اطلاع شده بودند به محل کارخانه آمده و اقدام به دستگیری دو نفر نماینده از کارگران حدود ۳۰ الی ۴۰ نفر شروع به اعتراض کرده و میگویند یا آنها را آزاد کنید و یا ما را هم دستگیر نمائید . کمیته این عده را هم بازداشت کرده و با خود میبرد . این عده از کارگران همان شب آزاد میشوند اما کمیته دو نفر از کارگران را به زیر فشار گذاشته و با یک میخواهد باصطلاح از دهان آنها بیرون کشیده که چه کسی آنها را وادار به جمع آوری اضاء نموده است اعضاء این کمیته بنظر میرسد که با سردمداران شورا و اشخاص ضد کارگری با نفوذ در کارخانه روابط حسنه ای

دارند . تعدادی از این اشخاص در کارخانه هستند در کمیته هم نقش فعالی دارند . خلاصه کمیته به این نتیجه میرسد که افراد کومله و دمکرات در این کارخانه نفوذ کرده و میخواهند بفشار بکاری بپردازند ! فعلاً هم افراد کمیته در جهت ردیابی و پیدا کردن این ارتباط هستند ! بگذریم فردای آن روز کمیته دو نفر دستگیر شده را آزاد کرد اما این دو سپس از کارخانه اخراج میشوند . فعلاً مبارزه در سطح کارخانه برای بازگرداندن این دو نفر جریان دارد .

با تحلیل از وقایع بالا به این نتایج میرسیم : در بین کارگران هنوز فاصله زیادی بین قدیمی ها و جدیدیها وجود دارد که این اختلافات باعث شده که کارگران بصورت هماهنگ و یک پارچه به شورا بر خورد نمایند . بین کارگران جدید و قدیم در مورد گرفتن خواسته های بحق و اولیه شان هم آهنگی وجود ندارد و به این دلیل عوامل کارفرما میتوانند با دامن زدن به این اختلافات حرکات ضد کارگريشان را با موفقیت به پیش ببرند . در این زمینه باید کارگران جدید با کارگران قدیم بیشتر در تماس بوده تا بتوانند با آگاهی دادن به آنها ، آنها را به متحدین خود تبدیل نمایند . کاری که در آخر جلسه عمومی شروع به صحبت کرد و گفت این حرفها "دعوی دوتا دزد است و... " کاری اشتباه انجام داده است . زیرا شورا و سندیکا داشتند خودشان را افتاء میکردند و کارگران بایستی بیشتر به این دعواها دامن می زدند تا به کارگران کثافتکاریهای این نمایندگان قلابی از زبان خودشان بیشتر روشن میشد . افتاء گریهای که شورا و سندیکا از هم انجام می دهند میتوانند تأثیر بسیار مثبت در ذهن کارگران بگذارد و آنها را در شناخت این نمایندگان بیشتر کمت کند .

هرچه مستحکمتر باد اتحاد کارگران بر علیه سرمایه داران بهر آزاد شدن در همه روی زمین از چنین ظلم و شقا چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

اگر میخواستن این کار را بکنند تا حالا کرده بودند ما بایخود مون برای گرفتن حقوق دست بکار بشیم " او واقعیت را میگفت . بقدرت رسیدگان کنونی ماهیت ضد مردمی خود را در عرض این یک سال ب مردم نشان داده اند . آنها نه تنها قدیمی برای مردم ستمدیده بر نداشته اند ، بلکه برعکس همه اعتراضها را در گلو خفه کرده و هر صدای آزادخواهی را سرکوب نموده اند . آنها همچنین همیشه به دفاع از منافع سرمایه داران برخاسته اند . آنان حتی چشم دیدن همدیگر را ندارند و درست بهمین خاطر است که در خیمه شب بازی انتخابات ریاست جمهوری دعوای باند های مختلف ظاهر میشود شوخی نیست مسئله کسب قدرت بیشتر است . صحبت بر سر جیب زدن پولهای کلان فروش نفت وغیره میباشد . به این دولت نباید چشم امید دوخت . زحمتکشان خود باید متحده شوند و ولتی دیگر ، یعنی جمهوری دمکراتیک خلق را بنا کنند .

لاستیکهای آنها را با گلوله سوراخ سوراخ میکرد اما بعضی از کامیونها در مواقع خلوت و یا شبها براحتی آخر به منطقه میآوردند و او یک بار از یکی از این رانندگان کامیون سوال کرده که تو چطور بعضی وقتها به راحتی آخری آوری و راننده جواب داده است که "حقیقتو اگه بخوای من برای آوردن هرتن آخری به منطقه بایستی ۲۵ تومان به کمیته جیبهای منطقه بدهم تا تونم آخر بیارم و من مجبورم این کارو بکنم چون زن و بچه دارم و باید خرج اونرا جور کنم"

بهر حال آن روز افرادی که جمع شده بودند قطعنامه را اضاء کرده و قرار شد که چند نفر آن را به در خانه ها ببردند و آنها و دیگر افراد خانواده نیز آن را اضاء کرده تا همه اهالی در این وادخواهی شرکت داشته باشند . یکی دیگر از مردم که بمهویت جمهوری اسلامی پی برده و خود در عمل سستی را که باو وارد شده بود حس میکرد ، میگفت که "قول بهتون میدم که دولت و مسئولین دولتی به خواسته های ما اهمیت نمیدهند

ناممکبود هائی داشت که چند نفر پیشنهاد هائی را ن زد که به آن اضافه شد . از جمله اینکه ما محتاج اولیه مردم از قبیل آب و برق و... از طرف دولت تأمین شود . دیگر اینکه متن قطعنامه به روزنامه های رسمی برای انتشار داده شود که دیگر زحمتکشان از وضع نا سامان مردم "خاک سفید" با خبر شوند . بهر حال بعد از قرائت قطعنامه مرد چخیلی منظم بصف ایستاده تا زیران را اضاء کنند . در گوشه و کنار و در صف نیز مردم با هم درد دل کرده و هر یک از سستی که بر او روا شده برای دیگران تعریف میکرد ، کسه البته این ستمها شامل همه اهالی زحمتکش این منطقه میشود و درد دل همه آنان است . چند نفری هم از کثافتکاریهای کمیته امام صحبت می کردند . مثلاً شخصی میگفت زمانیکه او مشغول ساختن یک سر پناه برای خود بوده و به ایمن خاطر احتیاج به تهیه مصالح عمرحتمانی از قبیل آجر داشت ، چگونه افراد کمیته و پاسداران جلو کامیونهای حامل آجر را میگرفتند و حتی

پیش بسوی وحدت مارکسیست - لنینیستها

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

درس الگود....

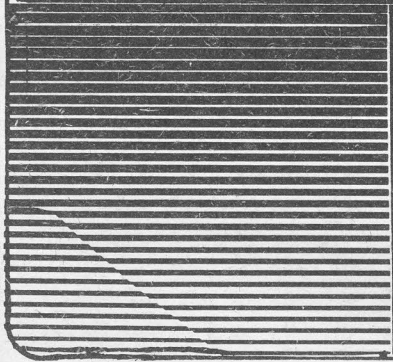
وابسته سابق بکاربست تمام سیا - ستها و برنامہ های هیئت حاکمه از فرار - ندم جمهوری اسلامی گرفته تا انتخاب ریاست جمهوری ، از سرکوب دهقانان ترکمن صحرانگرفته تا سرکوب مردم تیز همه و همه جنبه های مختلفی از این سر حرکت عمومی هیئت حاکمه می باشد . خلق زحمتکش از بسکو برای کسب استقلال کار ، آزادی و رفاه اجتماعی بایه میدان مبارزه گذاشته بود و از سوی دیگر به علت فقدان آگاهی طبقاتی ، هیئت حاکمه جدیداً مورد تأیید قرار داده و در نتیجه با همان توهمات سیاسی احقاق این مطالبات را از هیئت حاکمه جدید طلب مینمودند . چون هیئت حاکمه بنا بر ماهیت طبقاتی خویش قادر به برآوردن هیچیک از این خواسته ها نبودند و بخواهیم از به قدرت رسیدن آنها نگذشته بود که این توهمات در ذهن بخشهایی از طبقه کارگر شروع بشکستن نمود و این بخش بصورت های مختلف حد اقل برای بدست آوردن مطالبات صنفی و معیشتی خود دست به مقاومت ، تحصن و اعتصاب زده دهقانان درست از بعد از قیام بطور بسیار فعالی وارد مبارزه شدند و علیرغم تمام موعظه های مرتجعانه هیئت حاکمه در بسیاری از مناطق دست به مبارزه ، مقاومت جویانه علیه مکتب زده و با مداره زمینها بطور دسته جمعی شروع به کشت نمودند . هیئت حاکمه با تمام نیرو میکوشید که سیستم قبلی را حفظ نماید و در همه جا زمینداران و متنفذین محلی در اگانه های اجرائی (کمیته ها ، ادارات ، دادگستری و...) تسلط داشته و سعی در سرکوب دهقانان می نمودند . هیئت حاکمه در دفاع از زمین داران مرتب فریاد میزد که هرگونه دست برداشت باید تحت نظارت دولت انجام گیرد اما دهقانان در بسیاری از مناطق با صدور قطع نامه ها و عریضه ها برای "اوامر" هیئت حاکمه و مجریان و پادو های آنها خط بطلان کشیده و اراده خود را اعمال نمودند . بطور خلاصه امروز پس از یکسال از قیام بهمن ماه توده ها رفته رفته از هیئت حاکمه جدید سر میخورند و توهمات آنها سخت در حال شکسته شدن است . اگر چه توده کارگران هنوز در راه پیمانها و میثاقها نی که از طرف هیئت حاکمه و ضامین رسمی و غیر رسمی آن (حزب جمهوری اسلامی ، سازمانها و...) انقلاب اسلامی ، جامعه روحانیت و حوزه علمیه و قبیضه هه) برقرار میشود ، به دلیل اعتقادات پاک مذهبی خود شرکت میکند ، اما همین توده های زحمتکش در محیط کار خود تا کنون مبارزه علیه هیئت حاکمه میباشند . این خواسته ها و مبارزات بالا جبار اعمال سرکوبگرانه

کارگران مبارز بهپوش ! با اتحاد خود حرکات ضد کارگری را

در هم کوبیم

کارگران از نهم ۱۳ بهمن ماه در مبارزه مجبورندیم که تا ساعت ۳ بعد از ظهر کار کنیم مگر آنکه توانسته بودیم با مبارزه خود حق ۱۰ ساعت کار در هفته را بدست آوریم و همچنین توانسته بودیم کارفرما را مجبور به دادن یک وعده غذای گرم بکنیم یکبار دیگر میبینیم که چگونه صاحبان صنایع و دولت پستییمان آنان توانستند این حقوق ما را زیر پا بگذارند . کارگران ما بخواهی بیاد داریم چگونه با اعتصاب فیرمانانه خود توانستیم پنج شنبه ها را تعطیل نمائیم ما حتی توانستیم با مبارزه آگاهانه خود سرپرستهای مزدور و عوام را از کارخانه خودمان دور کنیم . اما این بار چگونه است که حاضر میباشیم باز هم تن به کار هر چه بیشتر برای سرمایه داران بدیم و وقت گرانبهای خود را پنج شنبه ها در محیط کارخانه صرف کنیم و این بار خود فروخته گان حتی با یک لقمه غذا هم ندهند . کارگران اگر ما امروز حاضر می شویم که تن به این کار بدیم بدلیل این است که خود فروخته گان این بار با شیوه حیل و فریب وارد میدان شده اند آنها به دروغ می گویند که کارخانه ما مست اما اگر واقعاً کارخانه متعلق به ماست پس چرا عمو ما در سود کارخانه شریک نیستیم پس چرا ما هنوز میزان خرج و تولید و فروش و غیره کارخانه را نمی دانیم . ما هنوز ساعتها کار می کنیم و کار می کنیم ولی دیگران از دسترنج ما سود می برند و در همان حال هم می گویند کارخانه ما خودتان است . کارگران حتماً زمان رژیم شاه را بیاد دارید که چگونه سرمایه داران با کشتن همین مخرفات از ما کاری کشیدند در این زمان هم دوباره کوشش ما باید با همین حرفها برنورد . اگر واقعاً دولت کارخانه را به ما داده و وظیفه دارد کار هم برای ما ایجاد کند نماند که روزی عدل ما را تهنید بدیم بیگاری و پانته بدیم بفرماندگی کارخانه بسته شدن در آن بکند . این چگونه می تواند "حق" است که ما خود باید بد نیال تهیه مواد اولیه و تولید و فروش باشیم و دولت هیچگونه نقشی در تهیه مواد اولیه و فروش نداشته و کار برای ما ایجاد نکند . بلکه عناوین مختلف برای اینکسه بگوید کارگران فادریه گردانند کارخانه نیستند و مجدداً کارفرمای سابق را بر ما حاکم کند هیچ گونه نقشی در پیش برد تولید و فروش نداشته که عملاً چنین حرکتی را ما برای سرمایه داران باز می کنیم . اگر تا دیروز ما از سرمایه داران به بیگاری تهدید می شدیم و معنای مختلف استنثار می کردند امروزه دولت همین نقش را بازی می کند . حتی شورای باصلاح کارگری ما نیز مرتب همصدابا دولت سعی میکند ما را وادار بکار هر چه بیشتر بکنند . چرا شورا باید با فشار بیاید که کار را احتماً ما بر ما تحویل بدیم ؟ کارگران اگر واقعاً دولت کارخانه را به ما داده و ما باید در حقوق دارن کار خود تصمیم بگیریم نیرویمان را برسی بکنیم و بعد اعلام کنیم که در این تاریخ می توانیم کار را تحویل بدیم هیچ قدرتی نباید بکارگران دستور دهد و یا آنها را تحت فشار بگذارد . ما باید با آنها نیکامی ما روزی خواهند ما را فریب بدهند و میبایند اینکه باید کار را به موقع تحویل بدیم یا با از این بعد کار بدهند نشان بدیم که قادر نیستند ما را بین این فریب بدهند ما باید اتحاد خود را حفظ کنیم و بر علیه تمام کسانی که بهر اسمی بخواهند ما را وادار بکنند که بملزمند در در هم مبارزه نمائیم . آنها کفنی فیند یک وعده غذای گرم خوردن برای ما کارگران چه ارزشی دارد حق ندارند نمایندگان ما باشند و حق ندارند از قول ما تصمیم بگیرند که غذای ما را قطع کنند . هشت تومان روزانه پول غذا با وجود این گرانی جامعه کفاف خرج رانمی دهد و تا زمانی که کارگران امکان ایستادن در رفاهای عرض و طولی گوشت زبون و غیره و غیره نداریم . شورا با خاطر آنکه بخود نیز زحمت تهیه مواد غذایی را ندهد چنین تصمیمی گرفت . کارگران آگاه باشید و نگذارید عوامل سرمایه داران در اجرای نقشه هاییشان موفق شوند آنها می خواهند با این حیل ما را کجک مجبور بکنند که تن به هر کاری بدیم و بدین ترتیب از فریاد نچندان دورا اگر چاقی حکومتی محمد رضا شاه را هم بر سرمان فرود آورند اعتراضی نکنیم . کارگران ما باید از هم کتون نشان بدیم که مملکت دارن بیش از ۷۰ هزار شهید دیگر حاضر نیستیم زیر بار ظلم برویم از هم کتون مشت های که کرد ما را در برابر هر حرکت ضد کارگری با لایبریم و بدان تمام مفتخوران و جیره خواران سرمایه دار بگوئیم . دولت را مجبور سازیم که برایمان کار ایجاد کند ، سود کارخانه باید بتساوی بین همه ما تقسیم شود ، پنج شنبه ها را تعطیل کنیم شورا موظف است که مسجانه و تنهار ما را در کارخانه بدهد . بر علیه لگو تمام قوانین ضد کارگری و تصویب قوانین حافظ منافع خود مان متحد شویم و مبارزه کنیم .

به پیش در راه ایجاد اتحادیه های واقعی کارگری
 بتوانند اتحاد کارگران علیه سرمایه داران
 چاره رنجبران وحدت و تنکیلات است
 گروهی از کارگران مبارز بهپوش



با هیئت حاکمه قرار دارند (مجا هدیسن خلق ، جنبش مسلمانان مبارز ، جامعه و امثالهم) کشیده خواهند شده تا زمانی که جنبش کمونیستی در حالت تفرقه نیست تشکیلاتی و تشکلات بدشولوزیک بسر میبرد قادر نخواهد شد که این توده ها را به سمت خود جلب کند . (ادامه دارد)

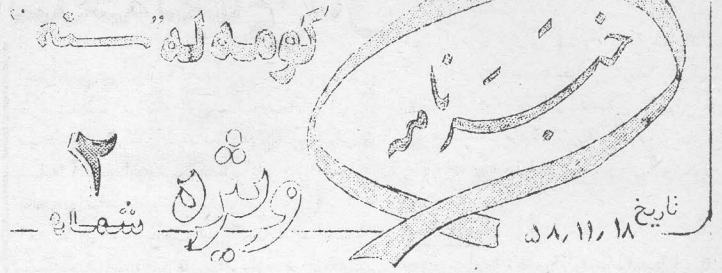
دستگاه حکومتی را به هم راه می آورد و نتیجه این مبارزه و سرکوب بریدن کامل زحمتکش از هیئت حاکمه و شکستن توهمات آنها میباشد . اما این هنوز به مفهوم آن نیست که آنها به طب جنبش کمونیستی کشیده میشوند . چنانچه این برش برپا به آگاهی طبقاتی و درک سیاسی از عمق مسائل انجام نگیرد ، این توده زحمتکشان بیشتر به سمت نیروهای دمکرات خرد بورژوازی که امروزه در پیوستن

بخلقها آزادی

بدهقانان زمین

بهرکس کار

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



مردم مبارز سنج با خشم انقلابی شهیدان خود را ارتقا نمادند.

جاش شهیدان به اعمال تجاوزه کارانه خود

شعارهای مردم سنج علیه تحریب توده - قیاده موقت - رنگاری بیعت - منتقی راهه...

در ۱۵، ۱۱، ۸۸ چند روز پیش خبر کشته شدن عده ای پیشمرگان جنگ تحمیلی در کامیاران به مردم رسید. آنها با دل آکنده از خشم انقلابی در انتظار آخرین دیدار با یاران وفادار خود بودند و خود را برای تجلیل هرچه باشکوهتر شهیدان آماده میکردند. در این روز که قرار بود به دعوت شورای هماهنگی دانش آموزان و دانشجویان سنج به پشتیبانی از خلع سلاح "سپاه زرکاری" توسط سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) میتینگ و راهپیمایی انجام شود. خبر رسیدن جنازه کاک صابردی وحی به سنج و بخش شدن میتینگ و راهپیمایی تبدیل به مستقیم جنازه باشکوهی با شرکت دهها هزار نفر از شهید قهرمان شد.

سه م به خونینی سورت - رنگات در بزه های هیه. نه همه دی موقتی زاده - دارود ه سته قیاده - ره نجی کوردیای به بادا. حیزی توده ی سازشکار - مورته جیمی فریوکار - د و زنی خه لکی هه زار - بوجی ناگات لی نیسه - له نیو کوردان، حیت نیه. در پیکار خلق کون - سازشکاری محکوم است. رنگاری جاشی شایبه - شاجاشی نامرکیه. بول وچه کی بیگانه - خه یانت به کوردانه. رنگاری جاشی به عسه - چه ک و پاره ی به توه. فریوکه دا خه لکی کورد - چه کیانمان کرد دست و برد. در این راهپیمایی پلاکاردها و شعارهایی علیه حکومت بعث عراق و سپاه زرکاری و جاشها و پاسداران حمل میشد.

گذشته، در جنگ به شهادت میرسند. مردم که حاشهای مفتی زاده و حه مه جاوه" و پاسداران را قاتلین فرزندان د لندین شان می - دانستند فریاد می زدند: جاش حاش جاشه کان - جاشه کورد فروشه کان روزی نه بی بی تان که بین - به داروشه قله ت تان که بین. همچنین شعارهایی بر علیه آمریکا - ارتجاع داخلی حزب توده، خائن - بعث عراق - مفتی زاده و قیاده موقت و سپاه زرکاری داده میشد. بر روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود: (تجاوز به حریم و حقوق خلقها به هر بهانه و تیرنگی قابل قبول نبوده و به شکست مرجعین و بیروزی خلق منجر میشوند.)

انتخابات مجلس...

۳ - تضادهای درون هیأت حاکمه تا اندازه زیادی حاد گردیده و موجب بوجود آمدن اصطکاکات شدید در درون آن شده است. این اصطکاکات نیز به نوبه خود بر ضعف درونی هیأت حاکمه افزوده و موقعیت وی رو به تزلزل است. ۴ - تشبثات ضد دموکراتیک و پناه بردن به شیوه های سرکوبگرانه عربان بطور کلی نشانه ضعف دستگاه حکومتی بوده که دیگر کنترل جامعه از دستش خارج گشته است. بر اساس نکات فوق کمونیستها میبایست تاکنیک شرکت در انتخابات را اتخاذ نموده و با معرفی کاندیداهای خود و استفاده از کلیه امکانات تبلیغاتی گستردهای را بوجود آورده و بدین ترتیب به توده های در حال بیدار شدن بیش از پیش نزدیک شود. روشن است که استفاده از تاکنیک شرکت در انتخابات بمعنوم عقب نشینی از مواضع اصولی ما یا صرف نظر از سایر شیوه های مبارزه نبوده و ما به هیچ وجه نباید مبارزه تبلیغاتی خود را در چهار چوب تنگی که هیأت حاکمه میخواهد با ما تحمیل کند، محصور نمائیم. همانطور که گفتیم هیأت حاکمه با استفاده از کلیه تشبثات ارتجاعی میکوشد از کاندیداتوری کوه نیستها جلوگیری کند. ما نیز باید تا حد امکان از طریق مبارزه خود را به وی تحمیل کنیم. چنانچه بهر حال هیأت حاکمه از کاندیداتوری کمونیستها جلوگیری کند و ما در انتخابات هیچ کاندیدی نداشته باشیم، آنگاه ما مسئله شرکت و یا عدم شرکت در رأی گیری را مورد ارزیابی مجدد قرار خواهیم داد.

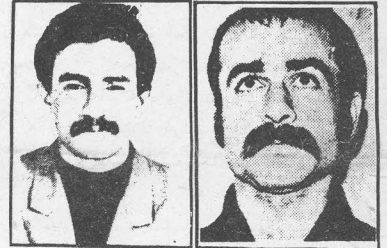
در این عملیات فعالانه به پیشمرگان کمک میکند. * * * * * شورای هماهنگی معلمان سنج طبق اعلامیه ای به تاریخ ۸/۱۱/۸۸ خواستار خلع قضایی مسئله کامیاران شده اند. آنها خواستار آزادی مملکت و دانش آموزان در منطقه میباشند.

یک خبر از تهران

طبق اخبار رسیده عده ای از مالکان منطقه دیواندره تیلکو و میروان (یحیی خان امینی) فیر و ز خان دستگیر، خلیل ملکی، شاهپرست و محمد خان کانی سائانی) در تهران با جعفران تماس گرفته و قرار شد که دولت و ارتش جمهوری اسلامی آنها را مسلح نموده تا با سازمانی که کامل در جنگ کردستان علیه مردم شرکت کنند. ضمناً قرار است محل سکونت افراد قیاده موقت در کرج در اختیار این مالکین گذارد شود. * * * * * بر اخباری که مرسیده ده تن رفیق نباتی سهمیه سنج که از تهران به مقصد سنج حمل میشده در کرمانشاه توسط حاج مسعود غنیان "جاش مفتی زاده و رباخواه مصروف" توقیف و فروخته شده است و برای توجیه عمل خود اظهار داشته که "مابه ضد اسلام رفیق نئی فروشیم" جالب است که رباخواه مدافع اسلام شده است! مبلغ ۶۴۰۰۰ ریال پول حاصل از فروش را برای حاج عبدالله فتحی پدرش فرستاده و حاج عبدالله نیز در مقر کومله اقرار نموده و وصحت خبر تأیید کرده است.

این رسم توسست که ایستاده بمیری

تاریخ مبارزات خلقهای ایران با خون هزاران هزار شهید قهرمان منقش میماند. در سرگراهِ ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۲ خسرو گلسترخی و کرامت الله دانشیان بدست دشمنان شاه به جوخه اعدام سپرده شدند.



کرامت دانشیان

خسرو گلسترخی

رهائی خلق را میگوید. رفقا گلسترخی و دانشیان در دادگاه نظامی شاه قاطعانه از آرمان سرخ رهائی بخش خلق یعنی سوسیالیسم دفاع نموده و صحنه بیدارگاه رژیم را به دادگاه خلق جهت افتاء و محکومیت رژیم تبدیل کردند. متهم بر صندلی دادخواهی نشست و مدعی بر کرسی محکوم جای گرفت. خسرو گلسترخی در دادگاه قاطعانه اعلام نمود که "من در اینجا بر سر جان خود چانه نمی زنم" آری او از آرمان سرخش، از سوسیالیسم و از منافع خلقهای رنج دیده ایران دفاع میکرد. شهید گلسترخی وفاداریه خلق را در قطعه شعری چنین توصیف میکند:

بر سینه ات نشست زخم عمیق کاری دشمن اما ای سرو ایستاده نیفتادی این رسم توسست که ایستاده بمیری
.....
و برآستی که این دوشهید قهرمان همچون هزاران شهید دیگر، ترجمان واقعی خلق بوده، هرگز در پیش دشمن سر فرود نیاوردند و ایستاده جان در راه آرمان سرخشان گذاشتند.

دست مرنجعی از زندگی زحمتکشان "خاک سفید" کوتاه!

سلما کم و بیش با نام "خاک سفید" آشنائی دارید و قبلاً نیز در بیکار خلق گزارشات از مبارزات مردم زحمتکش این منطقه درج شده است. منطقه "خاک سفید" که در شمال شرق طهران قرار دارد همان جایی است که مردم بی خانمان با هزار زحمت و مشقت و گرفتاری توانستند برای خود در زمینهای وسیع این منطقه که تقریباً تمام آن در رژیم گذشته به جنگ غلام رضا پهلوی افتاده بود، سر پناهی ساخته که خود این چهار دیواری ساختن با هزار ماجرا از جمله یورش گرازهای گمته و پاسداران همراه بود که احتیاج بشرح مجدد آن نیست. مطلب تازه از سر گرفتن سرکوب و ایجاد مزاحمت مجدد برای مردم زحمتکش این منطقه از طرف پاسداران و کمیته جیبا و شهرداری و غیره میماند ساکنان اولیه این منطقه تقریباً یک سال است که در آلودگیها و اطاقهای خود با تحمل مشقت فراوان زندگی میکنند. مردم "خاک سفید" از اولیه ترین احتیاجات زندگی یک انسان از جمله آب و برق بی بهره اند و بهمین خاطر آب صرفی خود را با هزینه زیادی یعنی هر بشکه ه تومان از طریق تانکرهای آب که در منطقه رفت و آمد دارند، تأمین میکنند. عده زیادی نیز بخاطر نداشتن پول بابت پرداخت آب در سرمای زمستان روزانه با قرار دادن چندین ظرف در گاری دستی و پس از طی مسافت زیادی به سر چشمه رفته و آب صرفی خود را این گونه تهیه میکنند و هر کس گذارش به "خاک سفید"

اسلحه بجای نان

اخیراً خبری در روزنامه "امداد" (یکشنبه ۹ بهمن) درج شد مبنی بر اینکه "وزیر صنایع و معادن از مهندسان و کارکنان کارخانجات پلی اکریل ایران و شیشه آکینگه با توجه به اهتمام آنان در راه اندازی مجدد و افزایش تولید قدر را نی کرد". ابتدا نگاهی کوتاه به وضع این کارخانه انداخته و سپس مختصرات این قدرانی را توضیح میدهم. محل کارخانه پلی اکریل و تولیدات آن: کارخانه در ۵۰ کیلومتری اصفهان و در جاده مبارکه واقع است. تولیدات کارخانه (ظرفیت کارخانه) روزانه ۵۰ تن الیاف اکریلیک شامل نوار، استیپل و تاپس و ۷۰ تن الیاف پلی استر شامل نخ و استیپل میبندد.

سرمایه گذاری و قرارداد اولیه: سرمایه اولیه این کارخانه ۶۵۰۰ میلیون ریال بوده که بعداً به ۷۶۰۰ میلیون ریال تغییر یافت. طبق قرارداد اولیه ۴۰٪ از سرمایه گذاری اولیه آن از طرف شرکت دیوان آمریکا و ۶۰٪ باقی مانده از طرف گروه صنعتی بهشهر (لاجوردی ها) و بانک های توسعه صنعتی، عمران، ایران و ژاپن و تهران پرداخت گردیده است. پس از خریدن تکنولوژی این کارخانه از شرکت آمریکائی دیوان، قرارداد های اولیه برای ساختمان کارخانه در سال ۱۹۷۴ باشرکت های آمریکائی و اروپائی بسته شد و کارهای ساختمانی آن شروع گردید.

مدیریت وضعیت پرسنلی: تا قبل از قیام بهمن ماه مدیریت این کارخانه آمریکائی و تمام سرپرستان و مدیران آن آمریکائی یا هلندی بودند ولی بعد از شروع مجدد کار در تاریخ مرداد ۵۸، مدیریت این کارخانه توسط شورائی عالی سه نفره مرکب از نماینده دولت، نماینده کارکنان کارخانه و نماینده هیئت مدیره قبلی (لاجوردی ها و بانکداران) و رئیس کارخانه و شورائی کارکنان اشتراکی انجام میبیرد. البته شورائی کارکنان مورد قبول اکثریت کارکنان

نبوده و در حال حاضر انتخابات جدیدی در حال انجام است. این کارخانه دارای ۲۳۰۰ نفر کارمند و کارگری بود که نزدیک به ۲۰۰۰ نفر آنها در محل کارخانه و ۳۰۰ نفر آنها در فابریک اصفهان و تهران مشغول بکار هستند. مزد کارکنان این کارخانه حداکثر ۱۶۵۰۰۰ و حداقل ۶۸۰۰۰ ریال تعیین شده است. مواد اولیه: بر طبق قرارداد های اولیه مواد اولیه این کارخانه از کشورهای آمریکائی و اروپائی (آلمان، هلند و بقیه در صفحه ۸)

فریاد بیکاران

بیمار و بیکار ششمین کارگری مستاجر و متاهل هستم که از کارخانه صنوبر نوز کاوه بابت بیباری ناشی از کار اهرامیم درماندگی چکنسی فریاد من میرسد؟ مری نوبل فریاد این کارگر مستمیده و بیکار زبان حال بساری از زحمتکشان میهن ما است. اما واقعاً کسی به فریاد آنها خواهد رسید؟ دولت حامی سرمایه داران زانوصفت؟! تقاضای جمعی کارگر کارخانه روغن نباتی واقع در جوادیه تهرانبارس علیه کمبود این کالای مورد نیاز سرویس کار را از سه نوبت به دو نوبت تقلیل داده است. چنین اقدامی علاوه بر آنکه موجب بیکاری دهها کارگر میشود، کمبود روغن نباتی را نیز تشدید میکند. کارگران خواهان حل اینمشه هستند.

نماینده شورائی کارگران صنوبر بستن کارخانه ها و تقلیل نوبت کار توسط آنهاست که جهت اخراج کارگران زحیم میهنان صورت میگیرد. در حالیکه مردم رنج دیده ما هر روز ساعتها از وقت خود را در صف تهیه مایحتاج زندگی میگذرانیم و کمبود مواد غذایی از جمله روغن نباتی مستولان روبرو است و در عوض احتکار روغن نباتی در دست اندرکاران هر روز بیشتر میشود، سرمایه داران با تقلیل نوبت کار از یکسوه به این کمبود ها در زده و از سوی دیگر روز بروز خریل عظیم کارگران بیکار می افزاید تا حدی که دستمزد کارگران بیکار را به کارگیریند.

رویدادها و اخبار کوتاه

زندان - در روز ۲۴ دی ماه بیش از ۷۰ تن از کارگران بیکار ضمن متحصن شدن در دفتر استادان ارتجان رسیدگی به خواسته های خود را خواستار شدند. این کارگران که از بیکاری بستوه آمده و جانیشان به لبشان رسیده است، قاطعانه اعلام داشتند که ضمن متحصن شدن سه روز سه مستولان فرصت رسیدگی را خواهند داد و چنانچه همچنان بی توجهی مشاهده کنند، دست به اعتصاب خواهند زد. رزمشاپیکار تریاد - همیشه سنگرمبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم است. دانش آموزان و معلمان مترقی و مبارزان هر روز در گوشه های میهنمان مورد تعقیب و آزار تنگ نظران انحسار طلب قرار میگیرند. از جمله اینکه اخیراً ده نفر از دبیران مدرسه قمرشیرین که در آگاه ساختن دانش آموزان نقش سازنده ای داشتند، بدستور حجت الاسلام عبدالبنی نمازی، سرپرست آگاه "انقلاب" اسلامی قمرشیرین و پیل زهاب دستگیر و روانه زندان شدند. بهتیری بیش از حد بقیه در صفحه ۸

پیدایش درجهت ایجاده حزب کمونیست